

کتابخانه مرکزی



شماره ۱- بهار ۶۴

www.Iran-archive.com

ایل گویجی

تشریح کانون فرهنگي وسياسي خلق ترکمن

- ۳ * ضرورت انتشار مجدداً یل گویچی
- ۵ * شعر حماسه ترکمن
- ۶ * مبارزه خلق ترکمن با زنی ایستد
- ۱۰ * اعتراض مردم ترکمن صحرای علییه جنگ
- ۱۲ * دهقانان زحمتکش ترکمن صحرای علییه توطئه‌های حکام جمهوری اسلامی
- ۱۵ * برای آزادی فرزندان دربند خلق ترکمن مبارزه کنیم
- ۱۷ * صیادان زحمتکش ترکمن صحرای علییه به مبارزه خود ادامه می‌دهند
- ۲۱ * زنان قالیباف ترکمن همچنان محروم و دربند
- ۲۳ * شعر آی... توماج
- ۲۴ * توماج نامی جاودان در مبارزات خلق ترکمن
- ۲۷ * وضع اسفبار بهداشت و درمان در ترکمن صحرای علییه
- ۲۸ * درد دل یک صیاد ترکمن
- ۲۹ * کشاورزان نمونه رژیم چه کسانی هستند
- ۳۰ * پای صحبت یک قالیباف
- ۳۱ * نام و میزان زمینهای عده‌ای از بزرگان مالکان ترکمن صحرای علییه
- * * *
- ۳۴ * ترکمن‌نیکو شعری از مکتومقلی فراغی
- ۳۶ * مکتومقلی زبان گویای خلق ترکمن
- ۳۹ * قیام عباس‌سردار
- ۴۱ * نقش فولکلور در زندگی مردم

★ ★ ★

ایل گویچی (قدرت خلق)

نشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

دوره دوم - سال اول - شماره ۱ - بهار ۱۳۶۴

ایل گویچی



"ایل گویچی" نشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، پس از انقلاب بنا به ضروریات جنبش در منطقه ترکمن صحرا انتشار یافت. ایل گویچی طرح مشکلات و مسایل اقشار گوناگون مردم ترکمن صحرا و همچنین تلاش جهت رشد ملی و فرهنگی خلق ترکمن را وظیفه خود قرار داده بود و در این راه گامهایی جدی به پیش برداشت.

دوره اول انتشار ایل گویچی با یورش نا جوانمردانه به خلق ترکمن در بهمن ماه سال ۱۳۵۸ و جلوگیری مرتجعین از فعالیت علنی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن که نهادی دموکراتیک و مورد حمایت گسترده توده‌ها بود، خاتمه یافت. اکنون ایل گویچی دوره جدید انتشار خود را آغاز می‌کند. و بسا ن گذشته در جهت رشد آگاهانه هیئتهای مردم ترکمن صحرا اشاعه و اعتلاء فرهنگ ملی خلق ترکمن و انعکاس مبارزه و مطالبات مردم ترکمن صحرا تلاش می‌نماید.

خلق ترکمن سالیان دراز تحت سلطه جا برانه خاندان جنایتکار پهلوی بوده است. رضاشاه طغی سالیهای حکومتش به سبب ستم‌ترین خلق ترکمن را سرکوب نمود. حاصلخیزترین زمینهای آنها را تصاحب کرد و در جهت سلب هویت ملی آنها از هیچ کوششی فروگذار ننمود. رژیم پهلوی کوشید در تقسیمات کشوری ترکمن صحرا را قطعه قطعه سازد و هر قطعه آن را تابع یکی

از مناطق همجوار غیر ترکمن گرداند و بدین ترتیب به خیال خود هویت ملی ترکمنها را مخدوش سازد. محمدرضا شاه خائن حاصلخیزترین و بهترین زمینهای ترکمنها را به نوکران حلقه به گوش خود، به امرای ارتش و ساواکیها و سرمایه داران بزرگ واگذار کرد تا بدین ترتیب هم اقتضا در منطقه را در دست داشته باشد و هم جای پای خویش را در منطقه محکم کند. در دوران حکومت خاندان پهلوی خلق ترکمن تحت ستم شدید طبقاتی و ملی قرار داشت و شرکت مردم ترکمن صحرا در انقلاب بهمین از همین جا نشئت می‌گرفت.

پس از انقلاب جمهوری اسلامی نیز با خواستههای خلق ترکمن به مقابله پرداخته و اقدام به سرکوب جنبش دهقانان ترکمن صحرا و تملیلات ملی خلق ترکمن نمود.

در شرایط کنونی که جمهوری اسلامی با سرکوب خشن به مقابله همه جانبه با خواستههای ملی خلق ترکمن برخاسته، مبارزه متحد برای تأمین خواستههای ملی خلق ترکمن ضرورتی بیش از پیش یافته است. جمهوری اسلامی اکنون آموزش دانش آموزان ترکمن در مدارس ابتدایی به زبان ترکمنی را ممنوع کرده، انتشار کتب و آثار ادبی، هنری و تاریخی به زبان ترکمنی را مانع شده و به مقابله با زبان و خط و فرهنگ ترکمنی پرداخته است. ضدیت جمهوری اسلامی با خلق

ترکمن به اینها خلاصه نمی شود. رژیم بسیار از مدافعان و مبارزان شرافتمند و صدیق و فداکار خلق ترکمن را یابسه شهادت رسانیده و یابسه زندان افکنده است.

جمهوری اسلامی مستبدانه دختران دانش آموز ترکمن را مجبور می سازد تا لباس سنتی خود را ترک کنند و خود را در چادر و چاقچور و چارقد بپوشند.

جمهوری اسلامی مانع از برگزاری جشنهای سنتی مردم ترکمن صحرا می شود و آنان را با خا طر برپایی جشن گندم و امثال آن که از جشنهای سنتی مردمی ترکمن است مورد آزار قرار می دهد. خلق مبارز و بیباک خاسته ترکمن حتی در انجام مراسم مذهبی خود مستقل از حکومت و آخوندهای حکومتی آزاد نیست. روشنفکران ترکمن قادر نیستند از فرهنگ و هنر خلق خویش نمایشگاهی ترتیب دهند، در اشعار و تکامل و تبلیغ آن بکوشند، شب شعری برپا کنند و یا زبان و ادبیات خود را با کار جمعی و گروهی غنی تر سازند و ادبیات مردمی خویش را به فرزندان خود بیاموزند. موسیقی ملی خلق ترکمن که با خون توده های ترکمن آبیخته است و جزئی از زندگی آنهاست، بسان مناطق دیگر کشور ممنوع است و "بخشی" های خلق ترکمن بسان "عاشق" های آذربایجان و موسیقی دانان و نوازندگان خلق کرد و... مجبور شده اند که شغل و هنر خویش را رها سازند و به دنبال کار دیگری بروند، چرا که مستبدان جاکم بر ایران هیچ ترانه و آواز دلنشین خلقی و مردمی را نمی پسندند و از شعار و ترانه های شورانگیز که مردم را شاد می کنند گریزانند.

دهقانان محروم و مبارز ترکمن متحدان بیباک خاستند و آریا بهاران از روستاها ایشان بیرون کردند. اکنون مدت ها است بزرگ مالکان تحت حمایت همه جانبه حکومت برای باز پس گرفتن زمینهای مصادره ای دهقانان بسان روستاها بیورش می آورند. حکومتیان می خواهند وضع سابق را به روستاهای ترکمن صحرا بازگردانند. البته

مقاومت و مبارزه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا مانع از آن شده است که این توطئه به سادگی به اجرا در آید اکنون بسیاری از روستاهای ترکمن صحرا شاهد مبارزه قاطع دهقانان و شورا های آنها علیه بزرگ مالکان است.

نیروهای مبارز و انقلابی خلق ترکمن، روشنفکران، کارمندان، معلمین و دانش آموزان به یاری دهقانان می شتابند و به آنها در مقابله و مبارزه شان علیه بزرگ مالکان یاری می رسانند، از مبارزه آنها حمایت می کنند و اخبار آنرا منعکس می سازند، در اینجا دهها هنگی در مبارزات آنها می کوشند و در جهت افزایش هر چه بیشتر آگاهی آنان تلاش می کنند.

جوانان و دانش آموزان ترکمن که از مبارزات سالهای پس از انقلاب بسیار آموخته اند، علیه اختناق در مدارس و برای تحقق خواستهای ملی خویش می رزمند. زنان مبارز ترکمن علیهستم و تبعیضات گوناگونی که حکومت نسبت به آنها اعمال می دارد در میا خیزند. صبا دان زحمتکش ترکمن صحرا و زنان زحمتکش قالیباف بانه غارت دسترنجان توسط آریا بهاران سرمایه داران که حکومت از آنها حمایت می کند، اعتراض می کنند. خلق ترکمن در مبارزه علیه اختناق و استبداد و برای تحقق خواستهای به حقش تنهها نیست. اعتراض خلقهای سراسر کشور روز بروز علیه اقدامات ضد مکرراتیک و ارتجاعی حکام جمهوری اسلامی افزایش می یابد. در چنین موقعیت حساسی آیل کوچی مجدداً علیه رژیم همه دشواریها انتشار می یابد و وظایف انقلابی خویش را پی می گیرد. آیل کوچی برای انجام این مسئولیت مهم به همکاری همه نیروها و عناصر آزاد میخواه و مبارز و روشنفکران ترکمن متکی است. آیل کوچی از همه مردم ترکمن صحرا و روشنفکران ترکمن می خواهد که به هر طریقی که می توانند این بلندگوی دفاع از فرهنگ و سنن ترکمنی، این آینه انعکاس زندگی و خواست خلق ترکمن را یاری دهند.

حماسه ترکمن

شعری از مکتومقلی فراغی
اندیشمند و شاه عزتوانای ترکمن
ترجمه و تنظیم: "ایل گویچی"

هوشیار آیدیه میدان نبرد
لعن دشمن سدنسا ز دراه مرد
عشق میهن کی شود خاموش و سرد
در ضمیر آتشین ترکمن

گر سلاح اتحاد آرد به جنگ
ره گشایا زمین خار و سنگ
گل فشان مکتومقلی پر عطر و رنگ
در فراخ سرزمین ترکمن

سرزمین سبزا ست از بحر خزر
تا به جیحون از نسیم ترکمن
نورچشمانم گل خوشبوی تر
چشمه کوه عظیم ترکمن

طالب حق باشد و برپا به اش
جمله سرمست هم نرو هم ما به اش
دشتها پوشیده از گل جا به اش
غرق ریحان سرزمین ترکمن

سبزه و گل را گذر سازد پری
از پی اش خیزد هوای عنبری
می کنند انای پیرش رهبری
بر سرای لاله چین ترکمن

زاده مرد است و همزادش یلی ست
چون کورا و غلی شیرمستانه سرست
کار صیادان دشت بیهود گيست
گر کند قصد کمین ترکمن

وحدت از پیوند دل آید پدید
توده برپا، بشکند خصم پلید
می رسد آن اتحاد بانگ نوید
بشکفد بخت برین ترکمن
لرزه افتد از نگاهش سوی کوه
کوه می ریزد عقیق با شکوه
سدر اهش را نشان دبه ستوه
جنبش سیل آفرین ترکمن

ترکمنچه مکتب گهرک

اوقو گهرک حاط گهرک

مبارزات خلق ترکمن با ز نمی ایستد



ارثش وسا و اکیها و دیگر نوکران دست به سینه همچون اویسی ها و مزین ها، قرار داشت، زحمتکشان منطقه با فقر و محرومیت دست و پنجه نرم می کردند و حاصل دسترنج آنها توسط این زالیو-صفتان غارت می شد این جانیان به جان و مال و ناموس مردم نیز زحمت نمی کردند، خواستهای ملی و به حق خلق قهرمان و سلحشور ترکمن از زمان استبداد درضا شاهی تا دوران سلطنت محمدرضا شاه خائن و تا امروز همچنان سرکوب شده و می شود. هدف شاه خائن در ترکمن صحرا باستان کردستان و بلوچستان و... از بین بردن فرهنگ ملی خلق ترکمن بود. تا از وحدت ملی و یکپارچگی مردم جلوگیری کند و در غارت و سرکوب آنها با مانعی مواجه نشود. شاه به طرق گوناگون می کوشید تا از قوام و دوام فرهنگ ملی خلق ترکمن جلوگیری کند و آنها را بیش از پیش در سا ی رخلقهها

خلق ترکمن از خلقهای محروم ایران است که سالیان متمادی تحت ستم دوگانه قرار داشته است. کارگران و زحمتکشان ترکمن اعم از دهقانان، دامداران، صیادان و... همچون دیگر زحمتکشان ایران سالها تحت ستم سرمایه داران اروپا بها، تجار و ربا خواران بی رحم و حکومتهای ارتجاعی حامی آنها بوده اند. مردم ترکمن بعنوان یک ملیت با زبان، فرهنگ و آداب و رسوم ویژه خود با هرگونه حقوق ملی بی بهره بوده اند. طی پنجاه سال سلطنت استبدادی خاندان پهلوی خلق رنج کشیده ترکمن به وحشیانه ترین شکلی مورد غارت و سرکوب واقع شده و این منطقه مرزی کشور ما همواره عرصه تاخت و تاز ژاندارمها و سا و اکیها بوده است. در حالیکه هزاران هکتار زمینهای حاصلخیز منطقه ترکمن صحرا در اختیار وابستگان شاه، درباریان، امراء

حل نماید. جوانان ترکمن را با فرهنگ و ملیت خویش بیگانه سازد و مانع از اشاعه ادبیات و هنر مردمی در آن سامان گردد.

ترکمن صحرا که یکی از مناطق غنی کشور ما است، به لحاظ امکانات زیستی چنان در فقر ننگه داشته می شد که یکی از تبعیدگاههای رژیم بود. امکانات اولیه زندگی نظیر بهداشت و درمان، مدرسه، جاده، آب آشامیدنی و حمام و غیره بویژه در روستاهای منطقه که اکثریت اهالی در آنجا ساکنند در سطح بسیار نا زلی قرار داشت. فساد و رشوه خواری در ادارات جان مردم را بر لب آورده و اعتیاد در منطقه بیداد می کرد. هر گونه صدای آزا دیکخواهی در گلو خفه می شد و روشنفکران و زحمتکشان منطقه در برابر کوچکترین اعتراضی به زندان افکنده می شدند.

بدینسان مردم ترکمن در آستانه انقلاب به استقبال آن شتافتند. با وجود کوششهای عوامل وابسته به دربار برای تفرقه افکنی و قراردادن خلق ترکمن در مقابل انقلاب، مردم ترکمن شعارهای انقلاب را از آن خود دانستند و به همراه دیگر خلقهای ایران به حمایت از آن پرداختند. نمی توانست جزاین هم باشد زیرا که خلق ترکمن نیز تحقق خواسته های خود را در نابودی رژیم شاه و قطع نفوذ امپریالیستهای می دانست. مردم ترکمن که طی سالیان دراز توسط مالکان بزرگ و حکومتهای مستبد سرکوب شده بودند خوب می دانستند که برچیدن بساط ظلم و استبداد و دستیابی به آزادی و برابری با سایر خلق جزء با آزادی کشور از قید حکومتهای خودکامه، برچیدن بساط امپریالیستها و نوکیران آنها و تأمین استقلال و آزادی در ایران امکان پذیر نیست. بدینجهت آنها نیز به همراه سایر خلقهای کشور خواهان برقراری یک حکومت ملی و مردمی بودند، شعارهای خلق ترکمن در اولین راهپیمایی آنها قبل از انقلاب همه و همه نشانگر این امر بود. برچین بستری بلافاصله پس از پیروزی انقلاب کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن توسط روشنفکران انقلابی

ترکمن برای سازماندهی مبارزات مردم ترکمن صحرا ایجاد شد. بزودی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن که از دل مبارزات مردم بیرون آمده بود، به محل مراجعه اقشار گوناگون در منطقه از دهقانان، دامپروران، صیادان و قالی بافان گرفته تا کارمندان و کسبه جزء و روحانیون مرفقی گردید.

دهقانان رنج کشیده ترکمن که از مدتی قبل از انقلاب در بعضی نقاط اقدام به بازپس گرفتن زمینهای غصب شده شان کرده بودند به کمک این نهاد اقدام به ایجاد شورا های روستایی در روستاهای خود جهت مبارزه زمینها، سازماندهی و هدایت کشت و کار در آنها و پیشبرد تاملی امور روستاها نمودند. بسیاری از بزرگان مالکان با اوج گیری مبارزه دهقانان از منطقه فراری شدند، شورا های بیشماری شکل گرفت و در پی آن ستاد مرکزی شورا های ترکمن صحرا، توسط فرزندان انقلابی خلق ترکمن و با حمایت توده ها برای هماهنگی شوراها و سازماندهی مبارزات دهقانان ایجاد گردید. بزودی با رهبری کانون و ستاد مبارزات توده های منطقه متشکل تر و سازمان یافته تر شد. بدین ترتیب مبارزه دهقانان زحمتکش علیه بزرگان مالکان، تجار بزرگ و واسطه ها، رباخواران و سایر اکیهادر واقع همه عوامل و پایگاههای رژیم شاه و امپریالیستها شدت هر چه بیشتری یافت. روحانیون و دولت موقت لیبرالیستی

آنها که بزموج انقلاب حاکمیت را به دست آورده بودند، از همان ابتدا هراس خود را از این جنبش توسعه ای نشان داده و بی شرمانه در جهت سرکوب آن اقدام کردند. نیروهای ارتجاعی درون حکومت به یاری سایر اکیهها، بزرگان مالکان و تجار بزرگ منطقه در فروردین ماه سال ۱۳۵۸ برای سرکوب مبارزات دهقانان زحمتکش و مردم غیور شهرهای ترکمن صحرا با توطئه چینی زبانه های جنگی نا برابر را به خلق ترکمن تحمیل نمودند.

مردم ترکمن صحرا که مصمم بودند از دستاوردهای مبارزات خود دفاع کنند به آنها اجازه ندادند راه به جایی ببرند.

هر هم، بیرضمن صحرا با ایستادگی و یکپارچگی خود توطئه آنان را خنثی نمودند و با قداومتی جانانه پوزه نوکران مالکان بزرگ را به خاک مالیدند. پیروزی در این جنگ پیروزی زحمتکش بزرگ مالکان و حاکمان ترکمن آنها بود. این پیروزی خلق ترکمن را برای مبارزه همه جانبه علیه مالکان بزرگ و تحقق خواسته های ملی خویش استوارتر ساخت. افشاء توطئه گران و عوامل ارتجاع توسط کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا ماهیت توطئه گران را هر چه بیشتر برای توده های ترکمن روشن ساخت. مصادره زمینهای بزرگ مالکان فراری و بازمانده سرعت پذیرفت. تشکلهای مردمی در شهر و روستا گسترش یافت. گامهای بلندی در راستای افزایش قدرت مردم در اداره امور خویش برداشته شد. با رهبری ستاد روستاها اتحادیه های دهقانی و سپس اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صحرا که همه زحمتکش منطقه نظیر ترکمنها، زابلها و بلوچها را در بر می گرفت، تشکیل گردید. اتحادیه های دهقانی منطقه ترکمن صحرا از تشکلهای توده ای کم نظیری بود که اتحاد و یگانگی نظیر دهقانان روستاهای منطقه را تا مین کرده و عامل مهمی در جلوگیری از توطئه های بزرگ مالکان و حاکمان آنها به حساب می آمد. اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صحرا همچنین مجموعه امور صنفی و سیاسی روستائیان ترکمن صحرا را هدایت می کرد و هدایت مبارزه دهقانان سهم و نقش ارزشمندی داشت. در این اتحادیه نمایندگان دهقانان روستاهای گوناگون خود مستقلاً مسایل و مشکلاتشان را بررسی می کردند و برای حل و فصل آنها تصمیم می گرفتند. اتحادیه های دهقانان

توهمش، صحرانگش و نفرت برتجیع درون حکومت و بزرگ مالکان منطقه را با ننگخت آنها یک لحظه از توطئه علیه آنها ز شوراها و اتحادیه های آنها فروگذار نکردند و خا موش نمادند. در شهرها زحمتکشان و متخصصان و کارمندان، معلمان و دانش آموزان و در مناطق ساحلی دریای خزر صیادان در جهت ایجاد تشکل برای دفاع از منافع صنفی خود حرکت می نمودند. آگاهی سیاسی توده ها در جریان مبارزه آنها بر ضد عوامل ارتجاع و امپریالیسم افزایش می یافت. خلق ترکمن به حمایت مادی و معنوی از جنبش خلق گرد برخاسته و در جهت پیوند هر چه بیشتر با خلق کرد و دیگر خلقهای تحت ستم ایران اقدام می نمود. توده های زحمتکش ترکمن صحرا در برابر چشمبان حیرت زده زورگویان سابق و ارتجاع در شهر و روستا در راستای مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلقهای ایران به پیش می تاختند. بویژه مبارزات دهقانان زحمتکش منطقه بعنوان الگویی راهنمای مبارزات دهقانان زحمتکش سایر مناطق کشور علیه بزرگ مالکان و حاکمان آنها بود.

مرتجعین درون حکومت که حاکمان اروپا قرض بزرگ مالکان بودند، از اوچگیری مبارزات مردم منطقه علیه بزرگ مالکان و برای کسب حقوق ملی خویش به وحشت افتادند. حکومتیان از سازمان یابی توده های دهقانی حول شوراها و اتحادیه ها، جوانان شهرها و روستاها حول کتابخانه های بیشتر روستایی و شهری، معلمان حول کانون معلمان ترکمن صحرا، مهندسان و تکنیسین های دموکرات و مردمی حول کانون مهندسان و تکنیسین های ترکمن صحرا، زنان ترکمن صحرا حول کانون زنان ترکمن صحرا و... سخت هراس داشتند.

بیرلشمک چالیشماق اوستون ینگیش قازانماق

مرتجعین که با او چگیری کم نظیر جنبش
توده ای در ترکمن صحرا مواجه شده بودند
چاره را در تحمیل جنگ دیگری برای
سرکوب خلق قهرمان ترکمن دیدند و
بی رحمانه به سرکوب جنبش خلق مبارز
ترکمن و کشتار دسته جمعی مردم و ایجاد
جو ترور و خوفناک پرداختند، تا مبارزات مردم
را مهار کنند. بسیاری از مردم بی گناه
و فرزندان دلیروا انقلابی خلق ترکمن
از جمله چهار رهبر انقلابی و فدایی
خلق ترکمن توماچ، مختوم، واحدی
و جرجانی را بدون محاکمه و مخفیانه
اعدام نمودند و به گمان خودکار را
"خاتمه" دادند. اعمال وحشیانه
حاکمیت جمهوری اسلامی در همان زمان
با انزجار و تنفر نیروهای مترقی سراسر
ایران روبرو شد. مردم آگاه این
خونریزی و کشتار حکومتیان را محکوم
کردند. و با خلق ترکمن ایراز همبستگی
نمودند.

رژیم پس از سرکوب مردم ترکمن صحرا
به کشتار و بگیر و ببند گسترده در منطقه
دست زدومی خواست هر چه زودتر آب
رفته را به جوی با زگرداند. ولی
زحمتکشان ترکمن محکم و استوار به دفاع
از دستاوردهای خود ایستادند. چهلم
شهادی خود را با شکوه برگزار نمودند.
جنس سنتی گندم را برپا نمودند و جلسات
اتحادیه ها و اتحادیه سراسری را در زیر
سرنیزه های پاسداران تشکیل دادند.
روشنفکران انقلابی خلق در افشای
سیاستهای ارتجاعی حکومت دمی از پای
نشستند.

اکنون همه ارگانهای سرکوبگر رژیم
در منطقه چهارگانهای مرسوم مثل
سپاه و کمیته و شهربانی و ژاندارمری
و دادستانی و چهارگانهای ویژه ترکمن
صحرا مثل کمیته باصلاح خلق سلاح که
مسئول شکار مبارزان انقلابی است،
روشنفکران انقلابی و پیشروان روستایی
و دیگر زحمتکشان منطقه را به بهانه های
رابطه با ستاد کانون و شرکت در جنگ
و داشتن اسلحه و بهانه های از این دست
تحت تعقیب قرار می دهند. عده زینادی
در زندانها بسر می برند و مورد شکنجه های
قرون وسطایی قرار می گیرند و عده ای
را نیز به جوخه های اعدام سپرده و

می سپارند. تعداد دریا های از بنا و سر
دموکرات و مبارز و سرشناس تبعید
شده اند، بسیاری نیز ناچار به ترک دیار
خود گردیده اند. رژیم اکنون در ترکمن
صحرا چنان جو را غارت و تروری ایجاد
نموده است که هیچ امنیتی برای
زندگی و کار مردم عادی وجود ندارد و
هیچ کس از زندگیزمه های حکومتی در
امان نیست.

حکام خائن جمهوری اسلامی با
گذشت ۶ سال از انقلاب نه تنها هیچ یک
از خواسته های دهقانان زحمتکش و مردم
مبارز ترکمن صحرا را برآورده ساخته اند،
بلکه با خیانت به انقلاب به مقابله
همه جانبه با آنها پرداخته و تمام
تلاش خود را بر آن داشته اند تا زمینهای
مصا دره ای دهقانان ترکمن صحرا را باز
پس گیرند و شوراهای دهقانی را متلاشی
و یا از مضمون مردمی تهی سازند. تا
کنون اقدامات رژیم در سرکوب
مبارزات دهقانان ترکمن صحرا با
مقاومت جدی مواجه بوده است. رژیم
هر چند در صدد بازگرداندن بسیطاری از
بزرگ مالکان فراری و ساواکیها و
امرای ارتش شاه به منطقه است و سر
و کله تعدادی از آنها نیز در روستاها
برای پس گرفتن زمینهای مصا دره ای
بیدار شده است ولی مقاومت دهقانان
در حفظ و نگهداری زمینهای مصا دره ای
و شوراهای مردمی خود، رژیم را در اجرای
توطئه هاییش با مشکلات بسیاری مواجه
ساخته است.

حکام جمهوری اسلامی با گذشت ۶ سال
از انقلاب نه تنها هیچ آرمانی برای
توده ها به همراه نیاوردند، بلکه فقر
و محرومیت دهقانان، دامداران،
صیادان و دیگر زحمتکشان را دوچندان
ساخته اند. سلف خران و واسطه های
رنگارنگ دوباره میدان یافته اند
خون مردم زحمتکش ترکمن صحرا را می مکند.
رژیم کماکان با خواسته های ملی
و فرهنگی خلق ترکمن عناد می ورزد و
آشکارا به ستیز و مقابله با آن می پردازد.
هرگونه آثار ادبی و اشعار ترکمنی را غیر
"مجاز" کرده است. کوشش روشنفکران
ترکمن در جهت احیاء فرهنگ و هنر
بقیه در صفحه ۲۵

مبارزه مردم ترکمن صحرا

علیه جنگ

مردم زحمتکش کشور ما که در وضعیت اسفبار اقتصادی از گران‌ترین و بیکیاری رنج می‌برند به طرق گوناگون علیه جنگ خانمانسوز و برای صلح مبارزه می‌کنند و اشکال و طرق ابتکاری گوناگونی را بکار می‌گیرند تا رژیم را وادار به قطع جنگ و استقرار صلح سازند.

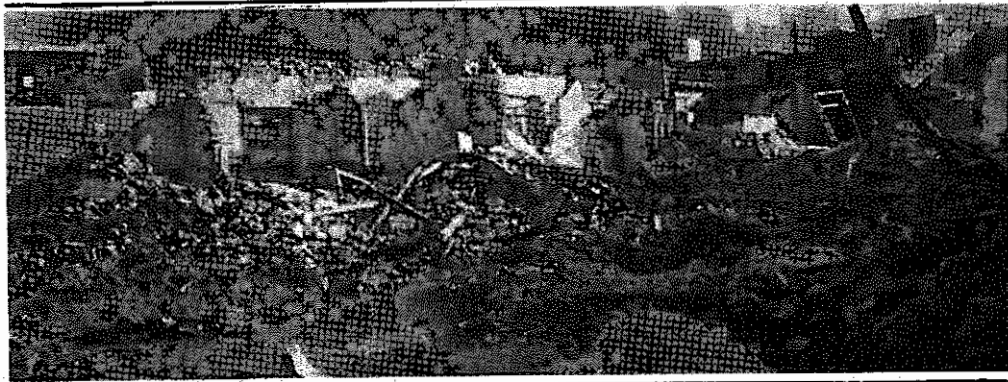
زحمتکشان ترکمن صحرا، دهقانان اهالی شهرها، روشنفکران ترقیخواه به همراه سایر خلقهای تحت ستم کشور در اعتراض و مبارزه علیه جنگ و بی‌سرای تا مین صلح فعالانه شرکت دارند. پدران و مادران رنج‌دیده و محروم ترکمن حاضر نیستند که عزیزانشان در تیر جنگ بسوزند و طعمه جنگ آمریکا خواسته شوند. آنها از اعزام فرزندان خود به جبهه‌های بی‌بازگشت جلوگیری می‌کنند. اکنون ستادهای پشتیبانی و بسیج نیرو برای جنگ در منطقه ترکمن صحرا بیش از هر زمان دیگر منسوخ شده‌اند، جوانان مشمول در شهرها و روستاهای ترکمن صحرا از رفتن به سربازی خودداری می‌کنند. آرگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در تعقیب مشمولین، روستا به روستا می‌روند و به آزار و اذیت خانوادگی آنها و ریش سفیدان در روستاها می‌پردازند. سپاه پاسداران و ژاندارمری برای دستگیری جوانان مشمول در روستاهای منطقه به شوراها، دهقانی فشار می‌آورند و اعضای شورا را تهدید می‌کنند. در روستاهای اطراف گنبد و آق‌قللیست جوانان مشمول به شوراها و دهقانی داده شده و آنها موظف شده‌اند که مشمولین را پیدا کنند و محل اختفای آنها را به حکومتیان بگویند و دولتی مردم در مقابل این خواستهای ایستند و مقاومت می‌کنند. بدلیل عدم همکاری مردم و بیشتر شوراها و دهقانی، وظیفه عمده ژاندارمری و سپاه در ترکمن صحرا یکی از مشکلات اصلی آنها دستگیری و اعزام مشمولان فراری به جبهه‌های جنگ است. مشمولی راضی توان یافت که حداقل چندین بار افراد خانوادگی وی توسط ما موران حکومتی دستگیر، زندانی و یا با زجوبی نشده باشند.

حکام جمهوری اسلامی در جهت تشدید و گسترش جنگ بی‌حاصل و خانمانسوز و برای رسیدن به اهداف خیالی و ماجراجویانه و آمریکا پسندانه خود می‌کوشند. آنها با ماجراجویی‌های خود به کشتار مردم بی‌گناه و گسترش ابعد جنگ می‌پردازند و به حساب جیب مردم جوانان و فرزندان زحمتکشان رنج کشیده میهن ما به دنبال تحقق اهداف واهی خود برای استقرار جمهوری اسلامی در عراق اند. جنایات حاکمان جمهوری اسلامی در کشتار جوانان در جبهه‌ها، در ویرانی و خرابی خانه‌ها و کاشانه میلیون‌ها هموطن آواره ما و در از بین بردن مراکز اقتصادی کشور بی‌سابقه و شرم‌آور است. سیاستهای جنگ افروزان سران جمهوری اسلامی اکنون خواب و آرامش را از مردم شهرها و روستاییان کشور ما ربوده و زمینه‌ساز ددمنشی‌ها و جنایات رژیم صدام علیه مردم بی‌دفاع شهرها و روستاهای اقصی نقاط کشور گردیده است. ادامه جنگ به نفع امپریالیسم آمریکا است و سیاستهای سران جمهوری اسلامی مبنی بر ادامه جنگ به مقاصد آمریکا خدمت می‌کند. امپریالیسم آمریکا به بهانه جنگ ایران و عراق حضور نظامی خود را در خلیج فارس افزایش چشمگیر و بی‌سابقه‌ای داده است و مواضع نظامی خود را علیه کشورها و نیروهای مترقی و انقلابی منطقه مستحکم کرده است. سران جمهوری اسلامی با لجاجت در ادامه جنگ روز بروز با اعتراض گسترده تر توده‌های مردم مواجه می‌شوند.

ستادهای جمع آوری کوچک و بزرگ رنگا رنگ کمک به جبهه‌ها دیگر بازدهی نداقل راهم ندارند. کسریک روز حقوق رای جبهه‌ها که بدون توافق کارمندان سورت می‌گیرد، اعتراض آنها را رانگیخته است. مسئولان حکومتی تهدید به اخراج جلوی اعتراض آنها می‌گیرند و کارمندان معتبر را به عنایین گوناگون می‌آزارند. دهقانان زحمتکش به طرق گوناگون برای کمک به جبهه‌ها تحت فشار قرار دارند، شوراها و روستایی برای جمع وری کمک از دسترنج اندک روستاییان پرفشارند. دانش آموزان مدارس نیز برای کمک به جبهه‌ها بصورت‌های مختلف وردا خا ذی قرار می‌گیرند و توسط دبیران مدرسه تهدید می‌شوند. دردوشنبه

کثیف حمانت کنند. مردم شهرهای ترکمن صحرا در هنگام تشییع جنازه قربانیان جنگ به طری گوناگون به حکومت اعتراض می‌کنند. چندی پیش مردم بندر ترکمن که تعداد کثیری از فرزندان خود را در جنگ از دست داده اند، هنگام تشییع جنازه دهها نفر از فرزندان دیگر خود لب به اعتراض گشودند. مردم علناً نسبت به این جنایات اعتراض کرده و خواهان قطع جنگ و استقرار فوری صلح شدند.

در حالیکه روستاهای منطقه ترکمن صحرا بسان روستاهای کردستان، سیستان و بلوچستان، جنوب خراسان و بسیاری از مناطق دیگر کشور از ابتدایی ترین امکانات زندگی نظیر بهداشت و درمان



اباشامیدتی و مدرسه محرومند. رهبران جمهوری اسلامی میلیاردها تومان از دسترنج زحمتکشان را به کیسه گشاد دلان اسلحه می‌ریزند و بدبختی وسیع روزی را برای میر مردم میهن ما به ارمغان می‌آورند. خلق مبارز ترکمن خواهان قطع فوری جنگ و خاتمه سریع کشتار و تخریب بمباران مردم بیگناه ایران و عراق است مردم ترکمن صحرا برای قطع جنگ و استقرار صلح اعتراض و مبارزه می‌کنند و به طرق گوناگون علیه جنگ و ماجرا حویسی به مبارزه بر می‌خیزند.

★

از اربندر ترکمن و پنج شبه‌بازار ق قلا بلندگوی ستاد جمع آوری کمک رای جبهه‌ها داریم گوش مردم را می‌آزارد و هگدایی می‌پردازد. علی‌رغم این شورها و تهدیدها مردم ترکمن صحرا ز جنگ و آدامه دهندگان این متنفرند آنها خود دوبا رطمه جنگ افروزی جمهوری سلامی شده‌اند، کمترین کمکی به جبهه‌ها نمی‌کنند. دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا که با سیاستهای ضد مقامی حکومت خانه خراب شده‌اند رمندان و کسه جزء و دیگر اقشار مردم که زیر بار تورم و گرانی مشتناک قادر به تامین حداقل معیشت خود نیستند، آدامه جنگ را مسبب ضعیف موجود دانسته و حاضر نیستند با مک خود به جبهه‌ها آزادانه این جنگ

دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا

علیه توطئه‌های حکام جمهوری اسلامی



بزرگ مالکان درینا ه ســـــران
 جمهوری اسلامی گروه گروه برای باز
 پس گرفتن زمینهای مصادره‌ای دهقانان
 به روستاها سرا زیرشده اند. آنان برای
 این منظورا زحمایت ارگانهای سرکوب
 رژیم برخوردارند و احکام دادگاههای
 "انقلاب" و حکام شرع را بهمراه دارند.
 هم اکنون در روستاهای سراسر کشور مبارزه
 و مقابله دهقانان زحمتکش علیه باز-
 گشت بزرگ مالکان فراری به روستاها
 با شدت ادامه دارد. کمتر روستایی پیدا
 می شود که دهقانان و خانواده آنها در
 مقابل بزرگ مالکان و سپاه و ژاندارمها
 و غیره نایستند و مقاومت نکنند. دهقانان
 زحمتکش با نیروی اتحاد و یکپارچگی
 خود در بسیاری از نقاط مانع شده اند
 که بزرگ مالکان و حامیان آنها
 زمینها را پس بگیرند و به راحتی آب رفته
 را به جوی بازگردانند.

در ترکمن صحرا نیز حکام جمهوری
 اسلامی برای این منظور تلاش می کنند
 ولی با مقاومت و مبارزه دهقانان
 زحمتکش مواجهند. دهقانان مبارز ترکمن
 صحرا قیل و بعدا ز انقلاب علیه بزرگ
 مالکان بیخاستند و به یاری شوالهای
 خود بساط بزرگ مالکان را از اکثر
 روستاها برچیدند. مبارزات دهقانان
 ترکمن صحرا علیه بزرگ مالکان و بتکار
 آنها در ایجا دشورا های دهقانی و اداره
 شورایی زمینهای مصادره ای نمونه و
 سرمشق مبارزات دهقانان سراسر کشور
 شد. دهقانان ترکمن صحرا در واقع
 پرچمدار و پیشتاز مبارزات دهقانان
 ایران علیه بزرگ مالکان بوده اند.
 آنها با اقدام متحد خود علیه بزرگ

مالکان و با ایجاد تشکلهایی نظیر
 شورا های دهقانی و اتحادیه های
 دهقانی، با ایجاد ستاد مرکزی
 شورا های ترکمن صحرا و کانون فرهنگ
 و سیاسی خلق ترکمن مبارزه خود را
 تداوم بخشیدند و مرتجعین را به وحشت
 انداختند. به جرات می توان گفت که
 مبارزه قاطع و پیگیر دهقانان زحمتکش
 ترکمن صحرا علیه بزرگ مالکان
 و اقدامات مستقل آنها در اداره زمینها
 مصادره ای خود به صورت شورایی یکی
 از عوامل بسیار مهم در اوج گیری جنبش
 دهقانی در مناطق همجوار بود. این امر
 رژیم را وادار ساخت تا مساله اصلاحات
 ارضی را بعنوان یکی از خواسته های مه
 دهقانان از انقلاب در دستور قرار دهد
 نبردهقانان ترکمن صحرا علیه بزرگ
 مالکان فراری که ویژگی آن سازمان
 یافتگی و اتحاد و وحدت دهقانان سراسر
 ترکمن صحرا بود، چنان وحشتی در دل
 بزرگ مالکان و مرتجعین درون حکومت
 انداخت که آنها کین توزانه دوبار

اعتماد خود را به داخل شورا بفرستند
و مهابشورا را در دست خود بگیرند و آنرا
سیخ کنند.

ارتجاع برای بازگرداندن بزرگ
مالکان به روستاها به فریبکاریهای
گوناگونی متوسل می شود. در روستاهایی
که بازو و سرکوب نتوانست اوضاع
سابق را برقرار سازد می کوشد با توسل
به حیله، بازگرداندن بزرگ مالکان
را عملی سازد. مثلاً در روستای "تمرقیره"
قوزی استاز مینهای مصادره ای را
که دهقانان به صورت مشاعی روی آن
کشت می کردند به قطعات کوچک تقسیم
کردند و ظاهراً به دهقانان واگذار
نمودند. آنها به این ترتیب اول اتحاد
دهقانان را در حفظ زمین و منافع
مشترکشان هدف قرار دادند، پس از جدی
تک تک به سرع دهقانان رفتند و با
عدم آرایه خدمات تولیدی و اخلاص
در کشت و کار، آنها را مجبور کردند
زمینها را برای کشت به مالکان واگذارند
و "آچاره" دریافت دارند. گام بعدی
معلوم است. محاکمه دهقانان به دلیل
تصاحب زمینهای بزرگ مالکان و باز-
پس گرفتن هرچه که به نام "آچاره" به
آنها پرداخت شده است.

با در روستاهای منطقه "کورن" چندین
هزار هکتار از زمینهای مصادره ای
دهقانان چند روستا به وسیله سرچنگداری
گرگان بعنوان منطقه قرق اعلام شده
است. و از کشت در آنها جلوگیری گردیده
وقتی این اقدام ضدهقانی با اعتراض
دهقانان مواجه شد، ژاندارمهای رژیم
به روستاهای مزبور ریختند و روستاییان
را تهدید کردند. البته جنبش
فریبکاریهایی تا زگی ندارد، این
روش وحیله در زمان شاه هم متداول بود.
رژیم شاه برای غصب زمینهای
روستاییان و واگذاری آنها به امرای
ارتش و خانواده پهلوی خائن، ساواکیها
و نورچشمی ها عیناً همین روش را بکار
می بست. اول زمینها را قرق اعلام
می کرد و آنرا جزء منطقه و محسود
جنگلانی قلمداد می نمود، بعد آنها
را سر فرصت به عوامل خود واگذار
می کرد. حال هم سران جمهوری
اسلامی همان توطئه را علیه دهقانان

با توپ و تانک به سرکوب مردم منطقه
پرداختند ولی علیرغم جنایات بشمار
نتوانستند شعله های مبارزه مردم
ترکمن صحرا را خاموش کنند. آنها مدتها
با وعده های پوچ و قوانین کذایی مزد
فریبی کردند و سرانجام نه تنها هیچیک
از خواسته های مردم را محقق نساختند
بلکه برای بازگرداندن اوضاع به
روال سابق به سرکوب توده های
روستایی و حمایت همه جانبه از بزرگ
مالکان پرداختند.

سران رژیم که از مقاومت و مبارزه -
جویی دهقانان ترکمن صحرا در هراسند
برای انجام مقاصد خود در روستاهای
منطقه تلاشهای مذیوحانه ای می کنند.
آنها مدتهاست گمشو راهای دهقانی
در ترکمن صحرا را مورد هجوم و یورش قرار
داده اند. ما موران رژیم در منطقه
هنوز که هنوز است اعضای مبارز و دلسوز
شوراهای دهقانی را به "جرم" شرکت
در جنگ و یادداشتن سلاح و همکاری با
ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا،
همکاری با کانون فرهنگی و سیاسی
خلق ترکمن، و... می آزارند، دستگیر
می کنند، تهدید می کنند و هزار دسیسه و
توطئه برای شان می چینند. سپاه
وجها در منطقه مدتها کوشیدند که
شوراهای دهقانی را به عامل خود تبدیل
سازند، در انتخابات آزاد و دمکراتیک
آنها اخلاص ایجاد کنند و نگذارند
نمایندگان واقعی دهقانان به آنها
راه یابند. رژیم از هزارگانی و هر
تشکلی که مردم در آن حضور داشته
باشند و از طریق آن خواسته های خود را
تعقیب کنند، می ترسد. از هر تشکلی
و شورا و اتحادیه ای که قدرت مردم را به
نمایش گذارد، هراس دارد. بخصوص در
ترکمن صحرا این ترس بیشتر از سایر
نقاط کشور است. به این دلیل
حکومتیان تفرقه و جدایی ویی سازمانی
دهقانان را می خواهند و هدفشان از یکپرو
بند اعضای شوراها، تهدید و ارساب
مردم روستاها و توطئه های از این
دست همین است. هرگاه نتوانند شورا
را کاملاً متلاشی کنند، هر جا که مردم ضرورت
وجود شورا را درک کرده باشند و از آن حمایت
کنند، می کوشند عوامل و افراد مورد

رحمیس و معافوم ترمن صحرابسا را می گیرند .

در مقابل این اقدام مسئولان حکومتی در منطقه ، دهقانان روستاهای کورن شدیداً اعتراض کردند ، آنها وقتی از طومار و مراجع و غیره نتیجه ای نگرفتند ، اجتماع عظیمی در اعتراض به این اقدام ضد مردمی و مالک پسندان در یکی از روستاهای منطقه برپا ساختند و اعتراض خود را اعلام نمودند . مساله در ترکمن صحرانعکاس وسیعی یافت ، آش بقدری شور بود که نماینده منطقه به حمایت از دهقانان در مجلس سخنرانی کرد و نسبت به این اقدامات با توجه به روحیات و مبارزه جویی خلق ترکمن تذکراتی داد . اعتراض دهقانان روستاهای " کورن " از حمایت سایر روستاییان نیز برخوردار شد ، آنها هنوز به مبارزه و مقاومت در مقابل این توطئه ادامه می دهند و قاطعانه تصمیم به ایستادن در مقابل این توطئه ها و دسیسه های آشنا را دارند . در روستای " بهلکه نفس " از حومه علی آباد گرگان که سیاه به دلیل مقاومت دهقانان موفق نشد زمینهای " نعمتی " بزرگ مالک روستا را که دهقانان بعد از انقلاب مصادره کرده و به صورت شورایی کشت می کردند باز پس گیرد ، به ازار و اذیت اهالی روستا پرداخت . مساله از این قرار بود که سیاه وقتی در اجرای حکم مبنی بر بازگشت بزرگ مالک مزبور با مقاومت دهقانان مواجه و موفق نگردید ، معدنی که در اطراف روستا قرار دارد و روستاییان از دیرباز از آن استفاده می کردند را متصرف شد و اعلام کرد که از این پس شن و ماسه را از قرار هر کمپرسی ۴۰۰ تومان به روستاییان می فروشد ، اهالی روستا که وضع را چنین دیدند دسته جمعی برای شکایت از سیاه علی آباد گرگان رفتند ، سیاه علی آباد که از این مساله خشمگین شده بود

در هنگام بازگشت دهقانان روستای " بهلکه نفس " راه را بر آنان می بندد فرمانده بسیج آنها را تهدید می کند و سیاه علی آباد نیاید و از خیر زمینهای آن نکدریده هم شمارازندانی خواهیم کرد " روستاییان به این تهدیدها توجهی نکرده و همچنان مصممند برای حفظ زمینهایشان به مبارزه متحدانه خود علیه فئودال یاد شده و همه مدافعان آن ادامه دهند .

حکومتیان می کوشند با زور و سر نیزه و سرکوب و حیل بزرگ مالکان را به روستاهای ترکمن صحرابسا گردانند و دستاوردهای مبارزه قهرمانانه مردم ترکمن صحرارا از آنان بازپس گیرند ، آنان از وحدت و یکپارچگی زحمتکشان ترکمن صحرالخلو شکی ندارند و به طرق گوناگون در پی ایجاد دوستگی و تفرقه در میان مردم هستند ، آنها مدتها کوشیدند زحمتکشان زابلی و بلوچ را در مقابل زحمتکشان ترکمن قرار دهند ولی سیاستهای اصولی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحران و کانون فرهنگی و سیناسی خلق ترکمن و منافع و مصالح مشترک زحمتکشان مزبور مانع از عملی شدن این توطئه ها شد .

دهقانان مبارز ترکمن صحران در مقابل توطئه بازگرداندن بزرگ مالکانی که شما با اتحاد و مبارزه خود آنها را از روستاها بیرون نداشتید ایستادگی کنید ، از مبارزه دهقانان زحمتکش سا بر روستاها حمایت کنید . حکومتیان از وحدت شما می ترسند ، شما متحد و یکپارچه علیه بزرگ مالکان و حاکمان آنها عمل نمایید . شوراهای دهقانی خود را که خودتان آزادانه اعضای آنها را انتخاب کرده اید و از منافع شما دفاع می کنید مورد حمایت همه جانبه قرار دهید ، اجازه ندهید بقیه در صفحه ۲۲

حاصل زحمتکشینگی

پروردای خانلارینگی

برای آزادی فرزندان دربند خلق ترکمن

مبارزه کنیم



هم اکنون بسیاری از فرزندان انقلابی و مبارز مردم میهن ما در زندانها و سیاهچالهای جمهوری اسلامی اسیرند. رژیم آنها را به "جرم" دفاع از مردم و مبارزه برای تحقق خواستها و مطالبات آنها دستگیر و زندانی نموده و به زیر شکنجه‌های وحشیانه گشاده است.

به میزانی که ناراضی‌های علیه حکومت افزایش می‌یابد و توده‌های مردم علیه بی‌عدالتی و آزادی‌کشی لب‌به‌اعتراض می‌گشایند فشار رژیم بر نیروهای انقلابی و مبارز افزایش پیدا می‌کند. حاکمان جمهوری اسلامی می‌خواهند با اعدام و زندان فرزندان آگاه خلق ما که مبارزات آنها هر چه بیشتر رژیم را افشاء و رسوا می‌سازد، جلوی مبارزات رشیدانه مردم را بگیرند و به آسانی آنرا متفرق و سرکوب نمایند. آنها که به انقلاب خیانت کرده‌اند از هر مخالفتی هر چند کوچک و سازمان‌نیافته می‌ترسند و هر اعتراض را به شدیدترین وجهی سرکوب می‌کنند. مبارزان انقلابی و خانواده‌های آنها در هیچ جای ایران از گزند ما موران حکومتی در امان نیستند. شکنجه و کشتار انقلابیون در رژیم جمهوری اسلامی بی سابقه است. زندانیان سیاسی گروه گروه بدون محاکمه اعدام می‌شوند. در زندانهای رژیم هیچ قانون و مقرراتی وجود ندارد، فرزندان انقلابی و مبارز مردم ما، در سیاهچالهای رژیم جمهوری اسلامی از ابتدایی‌ترین حقوق یک زندانی سیاسی محرومند، شکنجه و آزار آنها حتی پس از محاکمه‌های فرمایشی قطع نمی‌شود و بعناوین گوناگون ادامه می‌یابد. آنها برای نفی عقاید و نظریات خویش زیر فشار شدید قرار می‌گیرند. در مقابل هر اعتراض هر چند کوچک و جزئی به زندانیان شکنجه می‌شوند و از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی در زندان محروم‌اند.

وضع بهداشتی و درمانی در زندانهای جمهوری اسلامی وحشتناک است. زندانیان از انواع دردهای ناشی از شکنجه‌های طولانی و بیماری‌های گوناگون زندان در رنج اند و از معالجه و مداوای جدی خبری نیست.

هم اکنون بسیاری از فرزندان مبارزان انقلابی خلق ترکمن در سیاهالهای رژیم به بند کشیده شده اند. "جرم" همه آنها شرکت در مبارزه دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا برای راندن بزرگ مالکان از روستاهای منطقه و مبارزه در جهت تحقق خواسته های ملی خلق ترکمن است که رژیم با آن مخالف بوده و هست. عده ای از آنها بیش از ۲ سال است در زندان بصری برندوبلاتکلیف اند. تعداد دیگری پس از تحمل شکنجه های طاقت فرسا به حبس های طویل المدت محکوم گردیده اند. دژخیمان رژیم به دلیل هراس از خلق مبارز ترکمن، هرگونه حرکتی را سببانه سرکوب می کنند و همواره در کمین فرزندان مبارز خلق ترکمن نشستند. مسئولان حکومتی در منطقه ترکمن صحرا به ارگانهای سرکوبگری نظیر سپاه، کمیته، شهرداری، ژاندارمری و وزارت اطلاعات "ساواک" اکتفا نکرده و در شهر گنبد کمیته خلق سلاح را که بطور ویژه به تعقیب مبارزان می پردازد، از افراد ملین و معلوم الحال تاسیس نموده اند.

علیرغم این ددمنشی ها مبارزه مردم ترکمن صحرا یک لحظه بجا نایستاده و نهمی ایستد، مبارزان انقلابی، فرزندان قهرمان خلق ترکمن به تلاش و کوشش خود برای تحقق خواسته های حق خلق خویش ادامه می دهند و با هوشیاری انقلابی مبارزه خود را پی می گیرند. خانواده های زندانیان سیاسی و شهدای خلق ترکمن نیز از گزند و آزار دژخیمان رژیم در امان نیستند. رژیم محدودیت های بیشماری برای آنها فراهم می آورد. و از تجمع و تشکل آنها جلوگیری می کند. نیروهای مبارز ترکمن صحرا با یدبه نقش و سهم ارزشمند خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی ترکمن صحرا در افشاء کردن جنایات رژیم در زندانها توجه کنند. خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی نقش بزرگی در طرح و پیگیری خواسته های فرزندان در بند خود دارند. آنها می توانند به طرق گوناگون فرزندان زندانی خود را یاری دهند و اجازه دهند دژخیمان آنها را زنده به گور سازند. امروزه همه بشریت ترقی خواه و مردم آزاده ایران و جهان علیه این جنایات حیوانی رژیم با خاسته و لب به اعتراض گشوده اند. جنایات رژیم در زندانها در نزد همه مردم ایران و جهان افشا و رسواست. مردم شرافتمند ترکمن صحرا! خلق مبارز ترکمن!

به مبارزه گسترده سراسری برای آزادی زندانیان سیاسی و مبارزین انقلابی در بند پیوندید. به شیوه های گوناگون اعتراض خود را علیه شکنجه و کشتار و آزار و اذیت فرزندان بی گناه و انقلابی خود که جرمشان پشتیبانی از مردم و آرمانهای آنهاست، اعلام نمایید. به طرق گوناگون به حمایت ویاری از زندانیان سیاسی برخیزید.

برای آزادی زندانیان سیاسی این فرزندان مبارزان انقلابی خلق متحدان باخیزیم. *

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم

صیادان زحمتکش ترکمن صحرا

به مبارزه خود ادامه می دهند

که از طرف دولت تعیین گردیده به اداره شیلات بفروشد. میزان پیمانها و مقدار محصولی که باید به اداره شیلات تحویل داده شود، بستگی به وضعیت مادی صاحب کومه‌ها و موقعیت جغرافیایی هر کومه دارد:

الف - صیادان اربابی - عنوان صیادان اربابی از این جهت به این دسته از صیادان اطلاق می شود که آنان نیروی کار خود را به اربابان نمی فروشدند و در واقع برای اربابان مزدوری می نمایند. میزان درآمد آنان دقیقا بستگی به کیفیت صید و میزان صیدشان دارد. ثانی از این درآمد آن ارباب و بقیه بین صیادان به نسبت مساوی تقسیم می گردد. تعداد صیادان در هر کومه بستگی به وضع مادی ارباب و وضع مادی ارباب نیز رابطه مستقیمی با موقعیت محل کومه اش دارد. روی این اصل بین صیادان جهت استخدام در کومه اربابی که موقعیت جغرافیایی خوبی برای صید دارد رقابت وجود دارد و آندسته از کومه‌هایی که در محدوده بندر ترکمن و گمش تپه به میرز نزدیک ترند از درآمد بیشتری برخوردارند. کومه‌های اربابهای معروفی نظیر مختوم قلی حاجی، احمد قره جه، خالدی و... در این منطقه واقع است. تعداد صیادان در کومه‌ها بین ۶ الی ۴۵ نفر در نوسان است. طبق قراردادی که اداره شیلات با اربابان دارد هر ارباب موظف است تمامی وسایل تولید و امکانات رفاهی را برای صیادان خود تامین نماید ولی این امر در عمل جزا ز تهیه وسایل تولید (تور، نخ، قاپیق) فراتر نرفته و عملا ساختن کومه و تهیه امکاناتی

صیادان بعنوان بخشی از زحمتکشان ترکمن صحرا، سالهای سال تحت بدترین و غیر انسانی ترین شرایط زیر یوغ اربابان و سرمایه داران محلی به سر برده اند و از آنجا که مناسبات خاص بین این صیادان طیف‌های مختلف و متمایزی را بوجود آورده، بررسی وضعیت جداگانه هر یک از آنان به ما در شناخت، واقعی تر مسایل و مشکلات و مبارزات آنان کمک خواهد کرد. در عین حال در بررسی وضع صیادان بابت موقعیت جغرافیایی خاص هر یک از مناطقی که صیادان با گروه بندیهای متفاوت در آنجا به صید می پردازند مورد ارزیابی و توجه قرار گیرد. این صیادان بزرگ اساس نوع رابطه و محل صیده صورت‌های زیر تقسیم بندی می شوند:

- ۱ - صیادان پیمانی (اربابی - زنبیلی) ۲ - صیادان اداری ۳ - صیادان شرکت تعاونی (قسره تور) ۴ - صیادان پایه دام
- ۱ - صیادان پیمانی (اربابی - زنبیلی) این صیادان در ضلع شرقی دریای خزر بین محدوده بندر ترکمن و گمش تپه در میان خانه‌های چوبی و کاهگلی که به کومه معروف هستند مستقر می باشند و با توجه به ویژگیهای نوع رابطه آنان با صاحب وسایل صیده دوطیف متمایز از هم تقسیم می شوند. اساس رابطه صیادان اربابی زنبیلی بر پیمانهای استوار است که با اداره شیلات در طول دوره صید (ده ماه از سال) آنان بر اساس پیمان یک ساله موظف می گردند که محصولات خود را بر اساس نرخ‌هایی

نظیر (پوشاک حرم، وسایل کرما زا ...)
به خودصیادان تحمیل گشته است.

ب- صیادان زنبیلی - اطلاق نام زنبیلی به این صیادان از آن جهت است که رابطه بین این صیادان و صاحبان وسایل صیدبا صیادان اربابی تفاوت دارد. در این نوع رابطه، فردی که وسایل صید از آن اوست (خرده مالک) خودش نیز همراه صیادان دیگری که استخدام کرده کار می کند و به واسطه مالکیت بر وسایل صید در صدبیشتری را از میزان درآمد نصیب خود می گرداند ولی دیگر روابط آنان همانند صیادان اربابی می باشد و به واسطه محدود بودن تعداد صیادان در هر یک از این کومه ها (سهالی چهار نفر)، بالطبع تعهد کمی رانیز از شیلات می پذیرند. بین این خرده مالکان و صیادان نشان تضاد شدیدی به چشم نمی خورد و در واقع در صداستثمار در این نوع رابطه کم است.

این صیادان هیچگاه درآمد ثابتی نداشته و میزان درآمد متوسط آنان به هیچ وجه کفاف مخارج و هزینه های زندگی شان را نمی کند. آنان در اکثر اوقات مقروض اند، در عین حال از این درآمد نا چیزشان مقدار هنگفتی رانیز اربابان بابت بیمه اجتماعی از آنان کسری نمایند که طبق قانون بیمه های اجتماعی از ۳۰ درصد مبلغی که بابت بیمه از آنان گرفته می شود، صیادان تنها باید ۳ درصد آنرا بپردازند و ۲۷ درصد بقیه از جانب ارباب پرداخت شود، ولی این نسبت هیچ وقت رعایت نشده و اربابان همواره در صدبیشتر پول بیمه را از درآمد خود صیادان برداشته اند. متاسفانه صیادان از چند وجوه این مسأله به هیچ وجه اطلاعی ندارند و در واقع به حقوق خود واقف نیستند، چه همواره طرف حساب صیادان با ارگان های دولتی اربابان بوده و آنان هستند که در این زمینه ها نرخ تعیین می کنند، در واقع تصور صیادان از کسرایین مبالغ بعنوان بازنشستگی است و اکثریت صیادان در هنگام مریضی سراغ پزشکان خصوصی می روند. سران در آمد هر صیاد باید علاوه بر هزینه

تعمیر کومه، تهیه لباس گرم، بیمه خرج خورد و خوراک در کومه کفاف هزینه ها نخواهد داشت رانیز با تمامی ابعاب احتیاجاتشان بنماید، در عین حال از این مقدار مبالغی رانیز باقی می ماند برای ایام تعطیل صید (خرداد-تیر) که آنان چیزی دریافت نمی کنند پس انداز نمایند. بدین ترتیب آنها باید از نام ناشام کار کنند و حتی قادر نباشند حداقل معاش خانواده را تا مین نمایند. در میان این صیادان پیر مردانی با ۶ و ۷ سال سن به چشم می خورند. آنها که بازنشستگی و تا مینی ندارند، مجبورند تا آخر عمر روز زندگی کار کنند و بدون استثنای همگی آنان راهزین کمر شکن زندگی به ادامه این کار سنگین واداشته است. اخراج در بین این صیادان از عوامل طبیعی بشمار می آید، کوچکترین اعتراض نسبت به شرایط طاقت فرسای کار کافی است آنها را از کومه ها براند. حربه اخراج به همراه تعدی و فشار ما موران زانندار مری و گماردن ریش سفید وابسته به ارباب در هر کومه، هرگونه صدای اعتراض و حتی اطلاع از حق و حقوق قانونی رانیز از صیادان سلب کرده است. اربابان بطرق مختلف می کوشند صیادان زحمتکش از حق و حقوق خود بی اطلاع بمانند و تسلیم شرایط آنان شوند.

این شرایط وحشتناک باعث شکل گیری کینه عمیق صیادان نسبت به اربابها شده و آنان راهمواره برای اعتراض جمعی علیه اربابها آماده ساخته است.

پس از انقلاب مبارزه صیادان بیمانی علیه اربابهای را الوصفت ابعاب گسترده و تازه ای یافت، صیادان زحمتکش حاضر نبودند شرایط گذشته کماکان به قوت خود باقی ماند و اربابها بر کار روز زندگی آنها مسلط باشند. اعتراضات و حرکات فراوان اما منفردی در بین صیادان زحمتکش بیمانی به چشم می خورد، ولی آگاهی اندک این زحمتکشان و سازمان نیافتگی مبارزات آنها مانع از حرکت جمعی و گسترده بود تا این زمان اربابها

فوق بالطبع تاثيرات مخرب خود را
بيش از پيش بر اوضاع صيادان مي گذارد
واين خودخشم و كينه صيادان را نسبت
به مسئولان و دست اندركاران شيلت
افزايش داده و اعتراض شديد آنان
را برانگيخت. صيادان براي متحقيق
ساختن خواسته هايشان كه براي آنها
حياتي بود به اعتصاب روي آوردند.

تشكيل يك شركت تعاوني توسط
تعدادي از صيادان پيشرو كه به دليل
مبارزه عليه اربابها اخراج شده
بودند تا ثير زيادي بر مبارزات ساير
صيادان برجاى نهاد. خواست ساير
صيادان زحمتكش نيز تشكيل شركت
تعاوني صيادان و خلع يدا ز اربابها
بود. اعتصاب يك ماهه تا پستان سال
۵۹ نقطه عطفي در مبارزات صيادان
تركمين صحرا محسوب مي شود. با اعتصاب
صيادان، شيلت از كار افتاد. در جريان
اعتصاب بارها و بارها مسئولان شيلت
و مقامات حكومتي مجبور شدند به نزد
صيادان بيايند. آنها كوشيدند تا با
وعده و وعيد اين اعتصاب را بشكنند ولي
قاطعيت صيادان آنها را ناكام ساخت.
پس از گذشت يك ماه از موعد صيديعني
اوائل مهر ماه ۵۹ بالاخره مسئولان
شيلت اجبارا به خواست صيادان زحمتكش
تن دادند و بايجاد شركتهاي تعاوني
صيادان موافقت كردند. مسئولان
حكومتي زير فشار صيادان مجبور شدند
به خواست آنها تن دهند. تشكيل
تعاوني صيادان به معني کوتاه شدن
دست اربابها از رصيادان زحمتكش
بود. اين موفقيت بسيار بزرگي براي
صيادان محسوب مي شد و اين امر در
عين حال كه تجارب ذقيمتمت رادر طول
اعتصاب براي صيادان در برداشت به
اتحاد و همبستگي آنان نيز كمك شاياني
نمود.

امروز پس از گذشت شش سال از انقلاب
همچنان صيادان زحمتكش تركمين صحرا

مي توانستند با حيله هاي گوناگون از
اجراج تا تطميع صيادان معتسرض از
اشاعه نظرات آنها در بين ديگر
زحمتكشان صيادبكا هندو مانع از اعتراض
جمعي آنها شوند. اما مبارزات گسترده
دهقانان زحمتكش تركمين صحرا عليه
بزرگ مالكان و فعاليت همه جانبه
كانون فرهنگي و سياسي خلق تركمين
وستاد مركزي شوراهاي تركمين صحرا
در مبارزات صيادان زحمتكش تركمين
صحرا تاثير قابل ملاحظه اي بر جاي
نهاد. صيادان زحمتكش كه موفقيت
دهقانان را كه در سايه اتحاد و تشكيل
خود بساط بزرگ مالكان را از منطقه
برچيدند، شاهي بودند، به وجد آمدند و
شور و شوق رهايي در قلب آنها زيانه
كشيد. صيادان زحمتكش براي بيان
خواستهاي خود اقدام به انتخاب
نماينده كردند و در جريان اين
انتخابات كه مبارزه حادي بر سر
تعيين نماينده واقعي صيادان صورت
گرفت، تجربيات فراواني اندوختند و
عناصر مترقي بهم نزديك شدند و كم كم
حركات و مبارزات صيادان را سميت
دادند و به پيش بردند. صيادان زحمتكش
پيماناي از آن پس پيگيرانه خواستهاي
خود را مطرح ساختند و براي تحقيق
آنها مبارزه كردند. خلع يدا ز اربابها
و تشكيل تعاوني صيادان پيمانسي
از اساسي ترين خواستهاي آنها بود.
در همين ايام مسئولان شيلت با
ندانم كاري صيد در دريا را بدون توجه به
عواقب اين كار آزاد اعلام كردند. دريا
با هجوم هزاران نفر از افراد مختلف
كه هيچگاه حرفه صيادي نداشتند و به
خاطريكاري ناشي از سياستهاي
غلط حكومت به صيد ماهي روي آورده
بودند مواجه شد، بواسطه اين سياست
بقايت غلط جمهوري اسلامي قيمت
ماهي و خاويار به شدت تنزل كرده و در
عين حال خطرناك بودي نسل ماهيان
بطور جدي مطرح گرديد. وضعيت بحراني

در باب ايق چيلانگي ايل گويجي

در محرومیت بزرگی برسد و میسر نماند. رزبه خویش را برای تحقق خواسته‌ها ایشان ادامه می‌دهند. رژیم نه تنها گام مثبتی در جهت خواست صیادان پیمانی برنداشته است، بلکه با سیاستهای غلط، ندانم کاری و بی برنامه‌گی مشکلات آنان را دوچندان ساخته و بر سر محرومیت و فقر آنها افزوده است. ارتجاع با حمایت از دلالان، واسطه‌ها و اربابان دستاوردهای مبارزات طولانی صیادان از زمان شاه تا امروز را موردیورش قرار داده و با ایجاد اختناق، سرکوب و تهدید کوشش می‌کند. آنان را به تبعیت وادارد. آش بقدری شورا است که مسئولان حکومتی خود به این وضع ناهنجار اشاره می‌کنند. معاون وزارت کشاورزی چندی پیش گفت "متأسفانه شیلات در شرایط موجود به جای خدمت‌گذاری به صیاد تبدیل به واسطه و تولیدکننده شده و این یکی از دردهای شیلات است که نمی‌دانیم چگونه باید از آن رها شویم" او ادامه داد: "ما به جای اینکه بپردازیم به امور برنامه‌ریزی و تحقیقات و در خدمت صیاد با شیم و کار و وسایل را برای او فراهم کنیم، دنبال آن هستیم که چگونه فرض کنید حقوق پایان ماه، هزینه‌ها و سود پایان سال

را بررسی کنیم. (اطلاعات ۶۲/۷/۲۹). صیادان پیمانی اکنون برای تامین تهیه امکانات صید در مضیقه‌اند. آنها مجبورند برای تهیه وسایل صید به دلالان و اربابها مراجعه کنند و بخش اعظم درآمد خود را از این بابت بپردازند. آنها برای تامین وسایل صید توسط دولت و به قیمت‌های دولتی، افزایش نرخ خرید ماهی و خاویار، ایجاد فروشگاه‌های تعاونی، فروش ماهی، حذف دلالان، ایجاد کارگاه‌های توربافی و تعیین وضع بیمه و بازنشستگی خود مبارزه می‌کنند.

صیادان زحمتکش پیمانی به مبارزه خود برای حفظ دستاوردهای گذشته و علیه اربابان و حامیان آنها ادامه می‌دهند. آنان حول تشکلهای خویش حلقه می‌زنند و بروحدهت و یگانگی خود علیه زورگویان و حامیان آنها بیش از پیش می‌افزایند. صیادان آگاه و مبارز که از تجربه بیشتری برخوردارند برای مبارزه یکپارچه و هماهنگ همکاران خود و برای تجمع و تشکلهای صیادان آگاه و مبارزه‌گردهم می‌کوشند.

* * *

مبارزه خلق ترکمن ... ملی خویش جرم است. تحصیل به زبان ترکمنی در مدارس قدغن و غیر قاتونی است. سیاست رسمی حکومت در جهت تخریب و تلاشی فرهنگ ملی ترکمنهاست. خلق ترکمن در مقابل این اعمال ضد مردمی حکومتیان می‌ایستد، جوانان و روشنفکران، شعرا و نویسندگان ترکمن به رسالت خویش در غنا بخشیدن به فرهنگ ملی خلق خود آگاهند و تحت شدیدترین فشارها و اختناق مسئولیت خود را به انجام می‌رسانند. دانشگاهها آشکارا بر سر راه دانشجویان ترکمن موانع عذیده‌ای بوجود می‌آورند و عملاً آنها را نمی‌پذیرند. در مدارس دانش آموزان ترکمن مورد فشار و تحقیق قرار می‌گیرند. دختران دانش آموز از پوشیدن لباس ملی خود منع می‌گردند. اکنون توده‌های محروم روستاهای

ترکمن صحرا و مردم مبارز شهرهای منطقه بیش از پیش علیه اقدامات رژیم در ترکمن صحرا لب به اعتراض می‌گشایند. اکنون خلق ترکمن با صفوف متحد و یکپارچه بیش از پیش علیه حکام خائن جمهوری اسلامی به مبارزه و مقابله برمی‌خیزد. دهقانان زحمتکش در مقابل بازگشت بزرگ مالکان قرار می‌گیرند و ایستند و از شوراهای پی‌کننده منافع آنها را تا مین می‌کنند. طاعنه دفاع می‌کنند. دانش آموزان و دانشجویان به مقابله با تلاشهای رژیم برای جلوگیری از اشاعه فرهنگ ملی مردم خویش برمی‌خیزند و در جهت آگاه‌سازی دهقانان می‌کوشند و کارمندان و روشنفکران ترکمن سیاستها و اقدامات ضد مردمی حکومتیان در ترکمن صحرا و سایر نقاط کشور را افشا و رسوا می‌سازند.

★

هیچگونه میل و رغبتی به تولید قالی باقی نمی گذارد.

در جمهوری اسلامی وضع بدتر از گذشته است، هرج و مرج فراوانی بر بازار فرش حاکم شده و قیمت خامه و نخ مخصوص به میزان قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. دلالتان بی شماری وارد بازار فرش شده اند و سرمایه داران به شیوه ها و طرق مختلف شیره جان تولید کنندگان را می مکنند. فشار بیش از اندازه و کم تر شدن هزینه زندگی بسیاری از زنان ترکمن را وارد ساخته است که برای تأمین معاش خانواده به قالیبافی بپردازند. روشهای گوناگونی متداول است، زنان زحمتکش هستند که بنا به همکاری همسایه ها و با گرفتن کمک از آشنایان به تهیه مواد اولیه و تولید قالی می پردازند و در عوض متقابلاً در فرصتهای دیگر در بافتن قالی به آنها یاری می رسانند. زنانی که خود امکان تهیه مواد اولیه را ندارند، ایمن مواد را از دلالتان فرش و یا مغازه های فروشنده نخ دریافت می کنند و در عوض دستمزدی ناچیز برای آنها قالی می بافند. دسته دیگری هستند که بطور نسبه خامه و نخ را از مغازه ها تهیه می کنند و در عوض متعهد می شوند که قالی را فقط به آنها بفروشند و بالاخره زنانی که در مقابل دریافت مزد به سفارش سرمایه داران دست اندرکار فرش برای آنها قالی می بافند. در تمام شیوه هایی که شرح داده شد، نصیب زنان قالیباف جز زحمت و رنج چیز دیگری نیست. تمام حاصل دسترنج آنها توسط دلالتان و سرمایه داران غارت می شود و بطور متوسط برای یک ماه تا چهل روز کار بین ۱۵۰۰ - ۱۲۰۰ تومان دریافت می دارند.

وضع بد معیشتی و زندگی روستاییان که ناشی از ورشکستگی کشا و ورزی کشاورزان خاخرایی دهقانان است، باعث شده است که بسیاری از زنان زحمتکش ترکمن صحرا و دختران جوان و کم سن و سال ترکمن به قالیبافی روی آورند. این مساله باعث سوء استفاده دلالتان شده است و آنها دستمزدها را بطور وحشتناکی پایین آورده اند. جمهوری

زنان قالیباف ترکمن

همچنان محروم و در بند

صنعت قالی بافی در میان ترکمن ها سابقه طولانی دارد. زنان ترکمن صحرا از دیرباز تولید کنندگان اصلی قالی ترکمنی بوده اند، آنها برای کمک به همسران زحمتکش خود در تأمین معاش خانواده ضمن کارشاق در مزارع و بگه داری کودکان خردسال خود در خانه به بافتن قالی نیز اشتغال دارند. تا وقتی که هنوز مواد خام قالی در کارگاههای رنگرزی و ریسندهی نقاط دیگر تولید می شده ترکمن صحرا راه نیافته بود. زنان ترکمن صحرا با توسل به شیوه های سنتی خود رنگرزی و ریسندهی را با کمک یکدیگر در خانه انجام می دادند. این امر هر چند کیفیت فرشهای تولیدی را افزایش می داد ولی رنج و سختی کار را چند برابر کرده و فشار را قسرت فرسای بی بر تولید کنندگان وارد می ساخت. مواععی که رژیم ارتجاعی شاه در مقابل ترقی صنعت قالیبافی در ترکمن صحرا ایجاد کرد، موجب شد که این هنر دیرینه جایگاه مناسب خود را در صنعت فرش کشور آنچنانکه شایسته آنست باز نیابد. ترکمن صحرا علیرغم اینکه یکی از مراکز تولید قالیهای نفیس و خوش نقش است، فاقد کارگاههای رنگرزی و ریسندهی است و تولید کنندگان مجبورند دنیا زهای تولیدی خود را از نقاط دیگر با قیمت های گزاف و کیفیت های بسیار نازل تهیه نمایند. دلالتان فرش و تاجروسر سرمایه داران با سودجویی از شیوه های مختلف دسترنج زنان زحمتکش قالیباف را می ربایند و دستمزدها را باقی مانده برای آنها

اسلامی در مقابل خواست زنان قالیباف مبنی بر تاسیس شرکتهای تعاونی توزیع مواد اولیه و قطع دست دلالان و سودجویان هیچ اقدامی انجام نداده است. اکنون دلالان و سرمایه داران در ترکمن صحرا بر باری از مواد اولیه و تولید قالی مسلط اند و قیمت ها را به دلخواه خودشان تعیین و تحمیل می کنند. برای مثال قیمت یک کیلو خامه مشهدگنه در سالهای ۵۷ - ۵۶ حدود ۵۰۰ تومان بود اکنون به ۱۵۰۰ تومان رسیده است خامه کرک که در همان زمان هر کیلو حدود ۹۰۰ تومان بود به ۱۹۰۰ تومان و نخ مخصوص از کیلویی ۳۰۰ تومان به کیلویی ۱۱۰۰ تومان افزایش یافته است. به میزانی که قیمت مواد اولیه افزایش یافته، فعالیست دلالان و سرمایه داران گسترش پیدا کرده است. زیرا زنان قالیباف توان تهیه مواد اولیه را ندارند و اجباراً باید بطور روزمزدی و یا کنتراتی کار کنند و در مقابل بافتن یک قالی دستمزدی ناچیز دریافت دارند، این امر به روشنی وضع فلاکت با زنان قالیباف را که از بام تا شام پشت دار قالی نشسته اند نشان می دهد.

زنان و دختران زحمتکش ترکمن صحرا به شدیدترین وجهی توسط سرمایه داران و دلالان و صاحبان دارهای قالی استثمار می شوند، با گذشت ۶ سال از انقلاب رهبران جمهوری اسلامی کوچکترین اقدامی در راه بهبود وضع و شرایط زندگی این زحمتکشان انجام نداده اند، رژیم برای صنعت قالی با فسی در کل کشور هیچگونه برنامه و سیاستی ندارد. در همه جای ایران

دهقانان زحمتکش ...

رژیم اعضای آنها را مورد آزار و اذیت قرار دهد و به "جرم" حمایت از منافع شما دستگیر و زندانی و محکومشان سازد. اجازه ندهید حکومتیان افرادی صلاحیت و عوامل خود را در شوراها بگمارند و آنان را به شما تحمیل کنند، از فرزندان مبارز و انقلابی خود که برای آزادی شما از قید و بند زورگویان مبارزه کرده اند و می کنند بطور همه جانبه حمایت کنید.

دسترسی اندک زنان روستایی قالیباف توسط سرمایه داران ز الوصفت ربوده می شود. هیچ اقدامی جدی برای تامین مواد مورد نیاز قالیبافان، ایجاد مراکز فروش و تعیین قیمت عادلانه برای فرش صورت نگرفته است. سران جمهوری اسلامی با حمایت از بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و پشت کردن به مردم زحمتکش دست چپا و لگران را برای غارت مردم باز گذاشته اند. حکومت با خواست زحمتکشان قالیباف ترکمن صحرا مبنی بر تاسیس تعاونی توزیع آلات و ادوات ضروری برای قالی بافی، مواد اولیه و خرید و فروش قالی، به مقابله برخاسته و عملاً به حمایت از دلالان و سرمایه داران قالی بردار خسته است.

زنان قالیباف و زحمتکش ترکمن صحرا در شرایط بسیار نامطلوب اقتصادی و اجتماعی به سر می برند. آنها علاوه بر کار طولانی و پوررنج پشت دار قالی، بدور از ابتدایی ترین حقوق اجتماعی مجبوره کار طاقت فرسا برای نگهداری دامها و تیمار آنها و کار در مزرعه و خانه هستند. بیماریهای گوناگون ناشی از کار طولانی پشت دار قالی و بیماریهای ربوی آنها را می آزارد و هیچ دارو و درمانی جز تحمل درد و رنج برای آنها نیست. زنان زحمتکش ترکمن صحرا درک کرده اند که همه وعده های حاکمان جمهوری اسلامی جز حرف و شعارهای توخالی چیز دیگری نبوده و نیست. آنان دریافته اند که برای تحقق خواسته هایشان باید به اتحاد و یگانگی و به نیروی خویش متکی باشند. *

از کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن که در جهت اعتلاء فرهنگ ملی خلق ترکمن و رشد آگاهی سیاسی شما تلاش و مبارزه می کند حمایت نماید. مقدمات استواری و وحدت و یگانگی شما در حفظ دستاوردهای مبارزات قهرمانان، حکومتیان را در توطئه علیه شما و بازگرداندن اوضاع به حال سابق ناکام خواهد ساخت. متحد و یکپارچه، به مبارزه علیه بزرگ مالکان و حامیان آنها برخیزیم.

★

آی ... توماج



.....
سایه‌ها در دشتهای ترکمن صحرا می لرزید
ترکمن ما دری
زخم شعله‌ور فرزند دلیر می بست
ترکمن پیشری
خشا با زکمر می گرفت
بالب‌هایی آتش گرفته ولرزان
که شهیدان حادثه خونین را شماره می‌کرد
ا... ای توماج... توماج
ستاره خونین صحرای ترکمن، توماج

.....
خلق ترکمن فریاد کشید
دشتهای درونشده فریاد کشیدند
ستا دشورا های ترکمن صحرا
ادهان سوخته... ها، فریاد کشید
ا ج
فریاد ترکمن صحرا، توماج

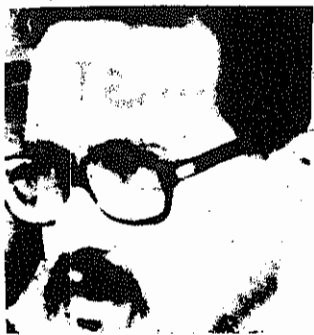
.....
ا... ای توماج... توماج
تور خونین صب دان، توماج
داس خونین دهقانان، توماج

قسمتی از شعر آی... توماج
سروده شاهرا نقلابی شهید
"سعید سلطانیپور"

 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *

توماج نامی جاویدان

در مبارزات خلق ترکمن



مناسبتی داشت، بزودی در محیط دانشگاه به صفوف دانشجویان انقلابی پیوست و بمانند یکی از فعالین ارزشمند جنبش دانشجویی در حرکات اعتراضی و فعالیت‌های انقلابی دانشجویان دانشگاه اصفهان نقش ارزنده‌ای ایفا نمود. شیرلی در سال ۱۳۴۹ از دانشگاه فارغ التحصیل شد و حین فعالیت‌های انقلابی خود علیه رژیم شاه در جریان برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی توسط ما مورین ساواک در هوا زدستگیر و پس از محاکمه‌ای فرمایشی به یک سال زندان محکوم گردید. شیرلی در زندان نیز فعالیت‌های انقلابی را دنبال کرد و یک لحظه آرام ننشست. پس از آزادی از زندان، ساواک که دل خوشی از او نداشت شیرلی را به سربازی فرستاد و سر باز صفر کرد. او در دوران سربازی نیز دست از مبارزه انقلابی برنداشت و مورد احترام و علاقه سربازان عادی بود. شیرلی پس از پایان دوره سربازی برای پیگیری مبارزات خود راهی تهران شد و به همراه همزمانانش مبارزات خود را ادامه داد. مدتی نگذشت که ساواک دوباره او را دستگیر کرد و این بار پس از تحمل شکنجه‌های فراوان و مقاومتی شایسته به ۲ سال زندان محکوم شد. او در زندان مبارزان و انقلابیون زیادی آشنا شد و تجارت با ارزشمندی کسب نمود و دانش سیاسی خود را افزایش داد. در سال ۱۳۵۶ پس از آزادی از زندان به زادگاه خود روستای یلمه سالیان بازگشته و به همراه زحمتکشان این روستا

شیرمحمد در خشنده توماج در سال ۱۳۲۶ در یکی از خانواده‌های زحمتکش و محروم روستای یلمه سالیان ترکمن صحرا بدنیا آمد. شیرمحمد که وی را شیرلی صدامی گزیدند، تا پایان تحصیلات ابتدایی در مدرسه یلمه سالیان درس می‌خواند و سپس برای ادامه تحصیل راهی شهر گرگان گردید و در دبیرستان استرآباد این شهر مشغول تحصیل شد. او در مدرسه در زمره دانش‌آموزان با استعداد و ممتاز قرار داشت. شیرلی در سال ۱۳۴۵ تحصیلات متوسطه خود را به پایان رسانید و همان سال وارد دانشگاه شد، او که در زمان نوجوانی به دلیل شرایط سخت زندگی خانوادگی مجبور به کارشاق در مزارع بود بارنج و در دهقانان زحمتکش آشنا شده و ظلم و ستم بزرگ مالکان و اربابان را با گوشت و پوست خود احساس کرده بود. و دیده بود چگونه زحمتکشان روستای یلمه سالیان همچون دیگر زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا برای یافتن لقمه نانی مجبور بودند اکثر اراضی اربابان بومی و غیر بومی در زیر شلاقهای مرگبار استعمار و بی عدالتی آرام ناشام عرب بریزند و جان بکشد. و یا جهت یافتن کارخانه و کارخانه خویس ترک گویند و آواره شهرها گردند. شیرلی در دوران کودکی و نوجوانی کینه عمیقی از اربابان آریا مهربی و کارگران رژیم منحور شاه که زبان ولهجه و زندگی و آداب و رسوم ترکمن‌ها را مسخره می‌کردند و فرهنگی ملی آنها را تحقیر می‌نمودند به دل گرفته بود. او که زمینه‌های

به خلق ترکمن تحمیل گردیدند. قش
توماج بعنوان یکی از نمایندگان
مردم ترکمن در مذاکره با نمایندگان
دولت موقت جهت برقراری صلح و جلوگیری
از خوتریزی دوطرف بس چشمگیر بود. پس
از خاتمه پیروزمندانه این جنگ
و گسترش حرکات توده‌ای در منطقه
توماج با درک موقعیت تازه با نیرویی
خارق العاده به کار پرداخت و خواب و
آرام نداشت در همه جا از تشکیل دادن
شوراهای روستایی، سخنرانی در
روستاها، گفتگو با روستاییان از شرکت
در جشنهای سنتی خرم گرفته تا
صحبت با نمایندگان حکومت همه جا
توماج حضور داشت. حمایت گسترده و
همه جانبه مردم ترکمن صحرا از توماج
و همسرش عبدالکریم مختوم که کاندید

به کار در مزارع مشغول گردید. دیگر
اکثریت روستاییان غرب ترکمن صحرا
وی را می شناختند. به او احوال را
می گذاشتند و او را از خود می دانستند.
عشق و علاقه توماج به مردم و زحمتکشان
ترکمن صحرا او را به شخصیتی دوست
داشتنی در میان مردم منطقه مبدل
ساخته بود. سوابق مبارزاتی طولانی
او علیه رژیم شاه از او چهره‌ای محبوب
و مورد اعتماد در میان توده‌های دهقانان
بوجود آورده بود.

با اوج گیری جنبش توده‌ای در کشور
در سال ۱۳۵۷ و حرکت امواج توفنده
و خروشان میلیونی مردم با خاسته
و قهرمان ایران اونیز همگام و هم‌دوش
با تمامی زحمتکشان مینهن فعالیت‌های
انقلابی خویش را گسترش داده و در آستانه
پیروزی انقلاب فعالیت خود را اعلامی
ساخت. شیرلی در سال زمان ندهی حرکات
انقلابی مردم ترکمن صحرا در جهت
مضاد رژیم و بازپس گرفتن زمین‌های بزرگ
مالکان قبل از انقلاب نقش زیبایی
داشت. او پس از پیروزی انقلاب
در تشکیل کانون فرهنگی و سیاسی
خلق ترکمن و سپس ستاد مرکزی شوراهای
ترکمن صحرا نقش ارزنده‌ای ایفا کرد.
شیرلی با دردمحور و میت‌های زحمتکشان
روستا آشنایی کامل داشت. زبان
ساده وی برای زحمتکشان ترکمن صحرا
اعم از ترکمن، بلوچ، زابلی، ترک، کرد
و فارس و غیره زبانی آشنا بود. شیرلی
می توانست مسایل پیچیده اقتصادی
و سیاسی انقلاب را با بیان ساده و قابل
فهم برای زحمتکشان منطقه که اکثریت
قریب به اتفاق آنها بیسواد و محروم
از آگاهی‌های سیاسی بودند توضیح دهد
و آنان را با حقوق پایمال شده‌شان
آشنا سازد. او به همراه همزمانش
بطور بی‌گنجه و خستگی ناپذیر برنامه
انقلابی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن
صحرا را که نماینده به حق شوراهای
دهقانی منطقه بود، و در سال زمان ندهی
مبارزات دهقانان زحمتکش علیه
بزرگ مالکان نقش و سهمی جدی داشت
به پیش می برد. در جنگ تحمیلی
که سینه فاطمه یک ماهه و نیم بعد از
انقلاب توسط ارتجاع و عوامل زمینداران



مجلس خبرگان از ترکمن صحرا شده
بودند به روشنی میزان اعتماد و علاقه
مردم به این فرزندان پاک باخته
و انقلابی خودشان را عریان ساخت.
خلق صدف گرانبهایی را از سینه خود
بیرون داده بود. اما ارتجاع و بزرگ
مالکان چون حیوان زخم خورده
نمی توانستند شاهدا بین همه موفقیات
باشند و از این روتوطئه هولناکی را
تدارک دیدند. آنها در پی توطئه‌ای
در روز ۱۸ بهمن سال ۵۸ زمانیکه مردم
منطقه برای برگزاری اولین سالگرد
انقلاب آماده می شدند توماج به همراه
سه تن از همسر زمانش مختوم، واحمدی
و جرجانی که از اعضای رهبری ستاد
مرکزی شوراهای ترکمن صحرا بودند
را بر برنامه قبلی دستگیر کردند و در

۲۹ بهمن همان سال مخفیانه و جنایتکارانه برای انتقام از خلق ترکمن و خوش خدمتی به مالکان بزرگ آنها را به دستور سران رژیم اعدام کردند و بزدلانه اجساد تیرباران شده این فرزندان بیرومند خلق را در بیابانها انداختند و بدین ترتیب لکه ننگ دیگری بر دامن آلوده مرتجعین جنایتکار افزوده شد. بانک اعتراض به این جنایات هولناک در تمام نقاط کشور طنین افکند. در تهران، تبریز، بندر ترکمن، گنبد و شهرهای دیگر ایران راهپیماییها و میتینکهای عظیمی بر پا گردید. فشا را فکار عمومی خلقهای ایران در این رابطه به حدی زیاد بود که مسئولان جمهوری اسلامی با وحشت و دستپاچگی هریک تلاش می کردند که پای خود را ازین ماجرا کناره کشند و از آن اظهار بی اطلاعی نمایند. خلخال، جلاد خمینی که دستش به خون تعداد زیادی از فرزندان دلیرو انقلابی خلق ایران آلوده است از فرط وحشت با بی شرمی قسم می خورد. اومی گفت که از ما جزای اطلاع است. ولی او امروز پس از گذشت ۵ سال، بی شرمانه بی مباحثات اعلام می دارد که "فاتح گنبد" است و رهبران خلق ترکمن را به دستور خمینی کشته است. خلق قهرمان ترکمن انتقام خون فرزندان دلاور خود را از مرتجعین کوردل خواهد ستاند و آنان را به سزای اعمال جنایتکارانه شان خواهد رساند.

خلق ترکمن که این چنین پهلوانان فداکار را در دامن خود پرورده بود، جواب دندان شکنی به این کوردلان داد. شرکت گسترده دهها هزار نفری مردم

نقش فولکلور در ...

درک مردم از جهان و بینش توده ها نسبت به طبیعت و جامعه متجلی گردیده است.

جمع آوری و مطالعه فولکلور، به دلیل نقش فولکلور در زندگی مردم در ادوار طولانی و انعکاس مبارزه ای که مردم از طریق بیان هنری علیه ستم اجتماعی پیش برده اند، گذشته از اینکه به غنای فرهنگ خلق می افزاید، برای درک روحیات و خصوصیات مردم و برای

شهرها و روستاهای ترکمن صحرا در مراسم چهلیم این شهدای به خون خفته خلق در تاریخ چندین دهساله اخیر خلق ترکمن بی سابقه و نشانه دهنده پیوند فرورآفرین مردم ترکمن با آرمان والای فرزندان انقلابیانشان بود. بنا شهید شدن توماج، زحمتکشان ترکمن صحرا فرزندی برجسته. انقلابی فداکار و دلسوز و مسئولی آگاه و کارردان را از دست دادند. وی که با کار و زحمت بزرگ شده بود برای رهایی زحمتکشان شهرها و روستاهای ترکمن صحرا از ظلم و ستم مالکان بزرگ و کلان سرمایه داران و اعتلاء فرهنگ ملی خلق خویش رزمید و بر سر پیمانش با خلق ایستاد و قهرمانانه جان باخت.

از هر قطره خون توماج و همزمانش صدها رزمنده دلیر خلق و مبارز انقلابی بی خواهد خواست. و راه وارمان والای آنان را پی خواهد گرفت. همزمان توماج پرچم مبارزه را همچنان در احترزازنگاه داشته راه آنان را ادامه خواهند داد. توماج، مختوم، واحدی و جرجانی در یاد و خاطره خلق ترکمن جاودانه خواهند ماند. پس از این آنها در میان اشعار و ترانه های خلقهای ستم دیده ایران جایی ویژه خواهند یافت.

گزای بادیداد و خاطره شهید بزرگ خلق ترکمن شیرمحمد درخشنده توماج

جاودان با خاطره شهدای به خون خفته خلق



کار در میان آنها و سمت دادن به مبارزاتشان از اهمیت جدی برخوردار است.

۱- ترانه های مردمی (عامیانه)

۲- لالایی ها

۳- ترانه هایی که از طرف دختران و عروسان سروده شده و بطور جمعی اجرامی گردد.

۴- ترانه هایی که در جشنهای عروسی خوانده می شود. ★

وضع اسفبار

بهداشت و درمان در ترکمن صحرا

از پزشکان متعهد و مبارز ترکمن را که صادقانه به مردم خدمت می کردند یا از منطقه تبعید کردند و یا مجبور به ترک شهر و دیار خود نمودند. کم نیستند پزشکان مردمی و غم خواری که به دلیل همگامی با زحمتکشان ترکمن صحرا و طرح و پیگیری خواستهای ملی خلش خویش تحت تعقیب قرار دادند و بیادگاههای رژیم غیا با آنها رامحکوم کرده اند.

چندی پیش بیماری سالک بطور گسترده ای در منطقه شیوع یافت و تقریباً یک سوم اهالی شهرها و روستاها را مبتلایان نمود. مردم در مقابل این بیماری خطرناک به حال خودرها شدند و حکومتیان نه تنها هیچ اقدامی برای مهار کردن این بیماری صورت ندادند، بلکه از تامين دارو برای مبتلایان نیز عاجز ماندند و با بی تفاوتی به نظاره نشستند. آش بقدری شهور بود که یکی از نمایندگان در مجلس به این وضع با صلاح انتقاد کرد و از مسئولان خواست به دلیل حساسیت منطقه سریعاً به این اوضاع رسیدگی کنند. وزیر بهداشت ری حکومت در پاسخ ضمن سخنانی در مجلس به شیوع خطرناک بیماری سالک در ترکمن صحرا اعتراف نمود و بابتی شرمی اظهار داشت: "از آنجا که سمپاشی برای از بین بردن عوامل انتقال این بیماری یعنی موش صحرائی و پشه خج زیاد دارد و در بودجه دولت چنین مخارجی پیش بینی نشده است، لذا وزارت

وضع درمان و بهداشت در ترکمن صحرا بسیار اسفناک است. مردم زحمتکش و محروم روستاهای ترکمن صحرا از ابتدایی ترین امکانات بهداشتی و درمانی محرومند و در مانگاهاهایی که سالها پیش در بعضی از روستاهای منطقه ساخته شده بود. مدتهاست به دلیل نبودن پزشک و پرستار تعطیل شده و حکام جمهوری اسلامی هیچ اقدامی در جهت راه اندازی آنها نکرده و نمی کنند. ساکنین روستاهای ترکمن صحرا برای یک قرص و یک آمپول باید کیلومترها راه بیمایند و به شهرهای اطراف مراجعه کنند. این برای همه کس ممکن نیست. جزیی ترین بیماریها، روستاییان و فرزندانشان را با خطر مرگ مواجه می سازد. وضع درمانی در شهرهای منطقه هم چندان تفاوتی با روستاها ندارد.

یکی از نمایندگان مجلس چندی پیش اعتراف کرد که: "منطقه گنبد از نظر پزشک با مشکلاتی مواجه است. در کلاله، مینودشت و گالیکش حتی یک آمبولانس وجود ندارد. و بیمارستان کلاله به فراموشی سپرده شده و درمانگاه و اطاق زایمان کلاله وضع اسفباری دارد و برای تعیین نمره عینک در منطقه برای یک سال دیگر وقت می دهند." (کیهان - ۱۲/۸/۶۳)

حکام جمهوری اسلامی طی شش سال گذشته نه تنها هیچ اقدامی برای بهبود وضع بهداشت و درمان در منطقه ترکمن صحرا نکرده اند، بلکه با بگرویندهایی که راه انداختند، بسیاری

پای در دلدل یک صیاد

“تا متحد نشویم کاری نمیتوانیم بکنیم”

خواب برویم و با ز فردا روزا ز نو، روزی از نو، اگر درست حسابش را بکنید ما روزانه از ۱۲ ساعت هم بیشتر کار می کنیم. برادران کارگر، چرا حقوق قانونی خود را طلب نمی کنیم؟ تا کسی باید به این شکل ادامه دهیم و همینطور عمرمان تلف شود؟ خانواده هایمان در بدترین شرایط زندگی کننجند، فرزندانمان به مدرسه نروند و تازه اگر هم بروند خجالت بکشند و به بقیه بگویند که پدرانشان صیادند.

صیادان عزیز: کار طاقت فرسای صیادی و مبارزه با طوفانها ما را خیلی زود شکسته و پیر می کند همین جابین خودمان اکثرا از درد پا و کمرو و ما تیس می نالند.

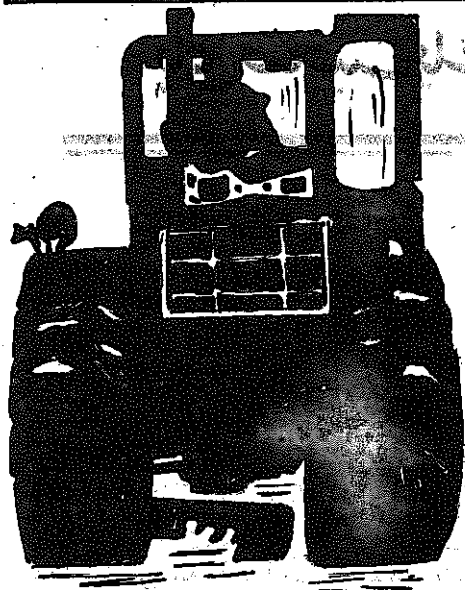
بیدار شوید و برای گرفتن حق مسلم خود تلاش کنید و اینرا هم باید بدانیم که ما باید جمع شویم و پشت هم بایستیم و متحدان در راه گرفتن حقوق انسانی خود تلاش کنیم. تا متحد نشویم کسب کاری نمی توانیم بکنیم.” *

“ما همه صیادیم، چندین سال است به صیادی مشغولیم، همیشه از خانواده هایمان جدا هستیم. همه شما محل زندگی مان را که در کنار دریا ست دیده آید. محل زندگی ما که همان آسایشگاه ماست، همان کومه مفلوک ماست که با هر باد و بیا رانی یک گوشه اش ویران می شود، سحرگاهان کارمان شروع می شود و با قایق چوبی باید کیلومترها پارو بزنیم تا برسیم توزه ای صید برسیم، گاهی آنقدر دور می شویم که دیگر ساحل را نمی بینیم. بارها در طوفان گیر کرده ایم و تنه ها و ناامیدانه جا در پهنه آبهای سرد و طوفانی یا دزن و بچه هایمان افتاده ایم و باد سوزان اشک از چشمانمان زوده است، و بارها دوستانمان را در طوفان از دست داده ایم و چند روز بعد موجها جسدشان را برای ما به از مغان آورده است. وقتی از دریا برمی گردیم خسته و کوفته باید به مرمت تورهای پاره شده بپردازیم و آنها را تمیز و مرتب کنیم تا شب که همه جا تاریک و ظلمانی می شود، با صدای گرگها و شغال ها به



کشاورزان نمونه رژیم

چه کسانی هستند



چندی پیش حکومتیان در منطقه ترکمن صحرا در پیایان فصل برداشت محصول پنبه اعلام کردند که تعدادی از کشاورزان بر اساس اینکه بیشترین درصد زمینهای خود را به کشت پنبه اختصاص داده و بیشترین محصول را برداشته و با ادارات فنی و دولتی و ارگانهای ریز و درشت حکومتی همکاری داشته و به "توصیه" آنها عمل کرده باشند (۱) بعنوان "کشاورز نمونه" مورد تشویق قرار خواهند گرفت و به آنها حواله یک دستگاه وانت نیسان خارج از نوبت داده خواهد شد.

واضح است که کشاورزان نمونه مورد نظر رژیم بهیچ وجه دهقانان زحمتکشی که به زور هزینه معاش روزمره خود را تامین می کنند، نیستند. کشاورزان نمونه مورد نظر رژیم بزرگ مالکانی هستند که در زمینهای چند صد هکتاری خود با حمایت همه جانبه ارگانهای گوناگون حکومتی، در منطقه به چپاول دسترنج محرومان روستاها مشغولند و البته با سرمایه های هنگفت و ماشین آلات گوناگون کشاورزی که دارند چند صد برابر یک دهقان معمولی محصول برمی دارند. اینها "کشاورزان نمونه" اند که رژیم تشویقشان می کند و به آنها حواله نیسان جایزه می دهد و آنها هم بدون کوچکترین دردسر حواله راتنا چندین برابر قیمت در بازار آزاد ب می کنند و به ریش مسئولان می خندند.

جمهوری اسلامی دهقانان محروم و زحمتکش را به زور سرنیزه پاسدار و زاندارم از زمینهایشان می راند و ساواکیها و آدمکشان رژیم شاه را که بعنوان "هدیه" و "جایزه" خوش خدمتی به شاه خائن در گذشته زمینهای دهقانان زحمتکش به آنها داده شده بود، مورد لطف قرار می دهد و به آنها می گرداند و برای خوش خدمتی به آنها کود و بذر و وام و قطعات یدکی و ماشین آلات کشاورزی و حواله نیسان می دهد. و در عوض دهقانان محروم و زحمتکش را به جرم شرکتشان در انقلاب و خلع ید از بزرگ مالکان درباری و ساواکی به زندان می اندازد و مورد آزار و اذیت قرار می دهد. *

قیام عباس سردار

(۱) - "دورون" یکی از شهرهای تاریخی است که اکنون در محدوده استان عشق آباد در ترکمنستان شوروی قرار دارد. "اورگنج" نیز در محدوده خوارزم قدیم واقع است. *

پای صحبت یک

قالی باف

وضع قالیبافان بسیار دشوار است. در یک خانواده که پدر، مادر، پسر و عروس با هم زندگی می کنند همه از بچه های ۷ ساله تا پیرزنهای ۸۰ ساله در کارگاهها کوچک خانه کاری کنند. قالیبافی که آنها می بافند از طرف پولدارهای بزرگ سفارش داده می شود. دستمزدر آن نیز سرمایه دارها بطور غیر مستقیم تعیین می کنند.

سرمایه دار با دانستن ضعف قالیبافان می تواند هر طور که بخواهد بهره کشی کند. مثلاً به یک خانواده پیشنهاد می کند که قالی را با دریافت دوهزار تومان برایش بیافد، اگر آنها قبول نکنند خانواده های دیگری هستند که به علت مضمقه مالی قبول می کنند، در نتیجه ناچارند که به همان مقدار پول کم اکتفا کنند. اغلب مردها بیکار رنند. عده ای نیز قالی فروش دوره گرد هستند که در شهرهای دیگر به فروش قالسی و قالیچه ای که قالی فروشان گنبد در اختیارشان می گذارند اشتغال

دارند، از این راه درآمد مختصی به دست می آورند که در برابر قیمت گزاف مواد غذایی به هیچ کجا نمی رسد. قالی بافان از صبح تا شامگاه در تلاشند. حتی غذایشان را روی دستگاه قالی بافی می خورند. بچه شان را نیز همانجا شیر می دهند و شبها، زیر نور چراغ به کاری پرداخته اند. اغلب خانواده های قالیبافان بدهکار رنند. نتیجه این همه تلاش و کوشش به جیب سرمایه داران مفتخور سر ازیر می شود. قالیبافان می گویند سالها است که کاری کنند و همیشه هم بدهکار رنند. معاش آنان با تخم مرغ و شیریک یاد و گاو که دارند، می گذرد. بیشترشان به علت کار کردن در اطاقهای نمور و کم نور مریض هستند و رنگشان زرد است. صاحب قالی کار نمی کند ولی همه چیز دارد. قالیباف از بام تا شام کار می کند و زحمت می کشد ولی هیچ ندارد. این است وضع زندگی و کار قالیباف.

★

پیروز باد مبارزات حق طلبانه خلق قهرمان کرد

نام و میزان زمینهای

عدهای از بزرگ مالکان ترکمن

برای آشنایی خوانندگان در زیر اسامی عدهای از بزرگ مالکان ، سا و اکیها ، امرای ارتش شاه و خانواده پهلوی که با حمایت همه جانبه رژیم شاه خائن در ترکمن صحرا ، زمینهای دهقانان زحمتکش را بیه زور تصاحب کرده و آنها را با صلاح به ثبت رسانده اند ، درج می شود .

فهرست زیر به خوبی حاکی از وضعیت منطقه و ظلم و ستمی است که بر سر دهها هزار دهقان زحمتکش ترکمن صحرا اعمال شده است ، در زمان حکومت شاه خائن در حالیکه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا برای تأمین معاش خود و خانواده اش در مضیقه بودند ، بزرگ مالکان بسیاری از زمینهای حاصلخیز منطقه را در اختیار داشته و به شدیدترین وجهی به استثمار آنان می پرداختند . پس از پیروزی انقلاب دهقانان ترکمن صحرا با مبارزه قهرمانانه خود علیه بزرگ مالکان که توسط ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا سازمان یافته بود ، از بسیاری از آنها خلع ید نمودند . زمینهای خود را تصاحب کردند و در هر روستا به صورت شورایی به گشت آن پرداختند ، اکنون مدتهاست رژیم جمهوری اسلامی این بزرگ مالکان فراری را یک به یک به روستاها بازمی گرداند ، دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا قاطعانه در مقابل این اقدامات ضد انقلابی می ایستند و از رگانهای سرکوبگر رژیم به آزار و اذیت دستگیری و زندان دهقانان مبارز و اعضای شوراهای دهقانی روستاهای ترکمن صحرا می پردازند . در این رابطه اکنون مبارزه خادی در روستاهای ترکمن صحرا جاری است .

۱ - احمد محمدی	۸۰۰۰ هکتار
۲ - حاجی قوشان جعفر بای	۳۰۰۰ هکتار
۳ - حاجی ایل محمد بیک زاده	۳۰۰۰ هکتار
۴ - شریف امامی	۳۰۰۰ هکتار
۵ - شاهینور غلامرضا پهلوی	۴۰۰۰ هکتار
۶ - شاهینور عبدالرضا پهلوی	۲۵۰۰ هکتار
۷ - شمش پهلوی	۳۰۰۰ هکتار
۸ - هزیر بزدانی	۸۰۰۰ هکتار
۹ - عبداله آخوندزاده	۳۰۰۰ هکتار
۱۰ - ولی اله یار سا	۳۰۰۰ هکتار
۱۱ - خندان	۵۵۰۰ هکتار
۱۲ - حاجی فتح اله منتظری	۳۰۰۰ هکتار
۱۳ - قوچقی	۲۰۰۰ هکتار
۱۴ - مرسل آسوده	۱۰۰۰ هکتار

۱۵- وزارت دفاع (شاه مزرعه)	هکتار	۸۰۰۰
۱۶- حاجی نظر سرشار	هکتار	۱۰۰۰
۱۷- مشهدما سوریان	هکتار	۱۰۰۰
۱۸- رحمان خان آلبا	هکتار	۸۰۰۰
۱۹- حاجی خلوت هوزیاری	هکتار	۳۰۰۰
۲۰- صفر حاجی نظری	هکتار	۲۵۰۰
۲۱- ارازقلی شیرمحمدلی	هکتار	۱۵۰۰
۲۲- ارازعلی شمالی	هکتار	۲۰۰۰
۲۳- تیمسار پالیزیان	هکتار	۱۵۰۰
۲۴- تیمسار هاشمی نژاد	هکتار	۴۰۰
۲۵- تیمسار اویمی	هکتار	۴۰۰
۲۶- تیمسار ردهش پور	هکتار	۶۰۰
۲۷- تیمسار رحیم	هکتار	۲۰۰
۲۸- تیمسار رکوهرنگی	هکتار	۳۰۰
۲۹- تیمسار شفقت	هکتار	۲۰۰
۳۰- تیمسار بیگلری	هکتار	۱۰۰
۳۱- تیمسار رحبانگیر	هکتار	۲۵۰۰
۳۲- تیمسار انصاری	هکتار	۳۰۰
۳۳- تیمسار اسکویی	هکتار	۱۰۰
۳۴- تیمسار روشمگیر	هکتار	۲۰۰
۳۵- تیمسار قره باغی	هکتار	۲۰۰
۳۶- تیمسار بدره ای	هکتار	۱۰۰
۳۷- تیمسار امجدی	هکتار	۱۵۰۰
۳۸- تیمسار نقدی	هکتار	۸۰
۳۹- تیمسار موثق	هکتار	۱۵۰
۴۰- سرهنگ جلالی	هکتار	۸۰
۴۱- سرهنگ ارمی	هکتار	۸۰
۴۲- سرگرد مها هدیه	هکتار	۸۰
۴۳- سرهنگ بزرگیان	هکتار	۵۰۰
۴۴- نازجان نظری	هکتار	۴۰۰
۴۵- جرجانی (گرگانی)	هکتار	۲۰۰۰
۴۶- شیرمحمدلی	هکتار	۳۰۰۰
۴۷- میرسعیدی	هکتار	۵۰۰
۴۸- ابگدری	هکتار	۱۰۰۰
۴۹- حاجی آق اویلی قلیچ زاده	هکتار	۸۰۰
۵۰- مهدی تهرانی	هکتار	۳۰۰
۵۱- ایزد	هکتار	۱۲۰۰
۵۲- روحانی	هکتار	۴۰۰
۵۳- بهمن دولتشاهی	هکتار	۴۰۰
۵۴- جهان دیده	هکتار	۴۰۰
۵۵- نورسی	هکتار	۵۰۰
۵۶- صالحی	هکتار	۵۰۰
۵۷- خسروی	هکتار	۱۰۰۰
۵۸- علی پهلوی	هکتار	۶۰۰
۵۹- پورجان خوجملی	هکتار	۵۰۰
(معروف به گوگجه)	هکتار	۱۰۰۰
(کا رخانه دار معروف)	هکتار	۲۰۰۰
(معاون شهربانی کل کشور)	هکتار	۳۰۰
(حسین، بهمن و منصور)	هکتار	۲۰۰۰
(حاجی آنه قربان - حاجی آشور حاجی منگلی)	هکتار	۳۰۰۰
(رییس دادگستری سابق گنبد)	هکتار	۵۰۰
(حاجی قاقا حاجی ارازقلی خان)	هکتار	۱۰۰۰
(معروف به آق اویلی قره شور)	هکتار	۸۰۰
(نماینده سابق مجلس شورای ملی)	هکتار	۳۰۰
(راننده رضا شاه)	هکتار	۱۲۰۰
(وزیر کشتا ورزی اسبق)	هکتار	۴۰۰
(سر دسته چماق بدستان قانون اساسی)	هکتار	۴۰۰
(مدیر عامل فروشگاه)	هکتار	۴۰۰
(پوشاک فرح پهلوی)	هکتار	۴۰۰
(بهمن - جلال)	هکتار	۵۰۰
(امان الهه - حسین)	هکتار	۵۰۰
(رمضان - یحیی)	هکتار	۱۰۰۰
(حاجی علی اسلامی اصل)	هکتار	۶۰۰
(معروف به پورجان قوجق)	هکتار	۵۰۰

۱۵۰۰ هکتار (معروف به حمید بیچاره)
 ۱۵۰۰ هکتار (رییس دادگسترس سابق)
 ۳۰۰۰ هکتار (نادرجان - قربان جان)
 ۸۰۰ هکتار
 ۲۵۰۰ هکتار
 ۲۰۰۰ هکتار
 ۲۰۰۰ هکتار
 ۱۰۰۰ هکتار
 ۸۰۰ هکتار
 ۸۰۰ هکتار
 ۳۰۰۰ هکتار
 ۸۰۰ هکتار
 ۵۰۰ هکتار
 ۲۰۰۰ هکتار
 ۱۰۰۰ هکتار
 ۱۲۰۰ هکتار
 ۵۰۰ هکتار
 ۵۰۰ هکتار
 ۳۰۰ هکتار
 ۴۰۰ هکتار
 ۵۰۰ هکتار
 ۴۰۰ هکتار
 ۶۰۰ هکتار
 ۸۰۰ هکتار
 ۱۵۰۰ هکتار
 ۲۰۰ هکتار
 ۴۰۰ هکتار
 ۱۰۰۰ هکتار
 ۴۰۰ هکتار
 ۸۰۰ هکتار
 ۵۰۰ هکتار
 ۴۰۰ هکتار
 ۱۵۰۰ هکتار
 ۸۰۰ هکتار
 ۱۵۰۰ هکتار
 ۳۰۰۰ هکتار
 ۴۰۰ هکتار
 ۵۰۰ هکتار
 ۷۰۰ هکتار
 ۷۰۰ هکتار
 ۵۰۰ هکتار
 ۶۰۰ هکتار
 ۳۰۰ هکتار
 ۱۵۰۰ هکتار
 ۶۰۰ هکتار
 ۴۰۰ هکتار
 ۵۰۰ هکتار

۶۰- حاجی خمیدا شور محمدی
 ۶۱- سید محمود میلانی آزاده
 ۶۲- نادرزاده
 ۶۳- محمدفاریابی
 ۶۴- کمک و خدر شیخی
 ۶۵- بایرام گلدی خان نفس پور
 ۶۶- شاه نظر خان بیگدلی
 ۶۷- قربان گلدی سعدی
 ۶۸- حاجی آراز علی آرازی
 ۶۹- حاجی حالی قلیچ تقانی
 ۷۰- حاجی خداقلی نجم الدین
 ۷۱- عطا عطا محمدی
 ۷۲- فیروزی
 ۷۳- محمدعلی عارف
 ۷۴- گلچین
 ۷۵- قاسم خان مقصودلو
 ۷۶- محمود نوروزی
 ۷۷- اعتباری
 ۷۸- مهندس مقدادی
 ۷۹- مختارزاده
 ۸۰- همایونی
 ۸۱- اکبری
 ۸۲- مجتبی طباطبایی
 ۸۳- آوانسیان آرزومیان
 ۸۴- سازگار
 ۸۵- قنبر آذری
 ۸۶- بیوک هدایتی
 ۸۷- حاجی حقیقت (یغمایی)
 ۸۸- مجید مرجانی
 ۸۹- رحمان خان قلی زاده
 ۹۰- ملا رازق رحیمیک
 ۹۱- شیرگلی
 ۹۲- یوسف قرچه
 ۹۳- مختومقلی حاجی کم
 ۹۴- آنه بردی قره قولیاقی
 ۹۵- قربان محمد قابل
 ۹۶- خادمیان
 ۹۷- عبدالغفور مشرقی
 ۹۸- قربان دالجه
 ۹۹- آی محمد آقپور
 ۱۰۰- آنه قلیچ آخوند نقشبندی
 ۱۰۱- اخی (عبدالرحیم) گرکزی
 ۱۰۲- حاجی حیدر قلی پوری
 ۱۰۳- مخدا عتامی
 ۱۰۴- مامی شیرحیب ایشان
 ۱۰۵- عطا جان نظری
 ۱۰۶- عبدالله سپاهی

ترکمنینگ

جیحون بیلن بحری خزر آراسی ،
چوئل اوستیندن اؤسریلی ترکمنینگ ،
گل غنچه سی قاراگوزیم قاراسی ،
قارادا غدان اینرسیلی ترکمنینگ .

حق سیلامیش با ردیرا ونونگ سایی ،
چرپینشا رچولینده نری ، مایی ،
رنگ به رنگ گل آجاریا شیل یایی ،
غرق بولمیش ریجانا چولی ترکمنینگ

آل یا شیل بؤره نیپ چیقار پری ،
کوکهیپ برق اورا رعنبرینگ ایسی ،
بگ ، توره ، آق ساققال یوردینگ ایسی
کورن توتارگوزل ایلی ترکمنینگ

اول مردینگ اوغلی دیر ، مرد دیر پدیری ،
گورا وغلی قارداشی ، سرخوش دیر سری ،
داغدا ، دوزده ، قووسا صیا دلار ، دیری
آلابیلمز ، یولبارس اوغلی ترکمنینگ

کونگل لر ، یورکلر ، بیربولیپ باشلار ،
تارتسنا ییغئن ، ارا رتوپرا قلار - داشلار

بیر سوپرا دا تا بیا رقیلینسا آشلار ،
کۆتریلر اول اقبالی ترکمنینگ .

کونگل هوا لانا رآتا چیقا ندا ،
دا غلار لاغلا دؤتر ، غیا با قا ندا ،
بال گتیور ، جوشوپ دریا آقا ندا ،
بندتوت دورماز ، گلسه سیلی ترکمنینگ .

غافل قالماز ، دؤویش گونی خوار بولماز ،
غارغیشا ، ناظارا گرفتار بولماز ،
بیلبیلدن آیریلیپ ، سولیب - سارالماز
دایم عنبر سا چارگلی ترکمنینگ .

تیره لر قاردا شدید ، اوروغیا ریدیر ،
اقبال لار ترس گلمز ، حاقینگ نوریدیر ،
مردلر آتا چیقسا ، سؤوش ساریدیر ،
بیوا وستونه بیؤوریولی ترکمنینگ .

سرخوش بولیب چیقار ، جیگردا غلانماز ،
داشلاری سیندیرار ، یولی با غلانماز ،
گۆزیم غایرا دوشمز ، کونگل اکلنمز ،
مختومقلی ، سۆزلار تیلی ترکمنینگ .

مختومقلی فراغی

زیبا بیغ لر غولان دلم
چون عشق به جان عاشقان به دلم
شوق و پیشتر زمانه درم جار است
کردار ترا ، ترانه ترکمن

« در صفا مسموعه »

زبان گوئی خلق ترکمن

به جرات می توان گفت که مختموقلی شاعر و اندیشمند بزرگ خلق ترکمن و آثار منظوم و زوال ناپذیر وی در خاطر خلق ترکمن جاودانه و فنا ناپذیر خواهد بود، تا روپودا شعرا مختموقلی فراغی با زندگی روزمره خلق خویش، با آمال و آرزوهایشان، رنجها و مرارتها بی که تحمل می نمودند و همچنین بیکاران در راه رهایی و کسب استقلال خود عین گشته است.

نظم وی در خالصترین و اثر بخشترین صفحه رادرتاریخ ادبیات کلاسیک خلق ترکمن گشوده و در جهت ارتقاء و شکفتن انگیز شعرا کلاسیک بعد از خود چون کمینه، ملانفس، سیدی، ذیلی و محتاجی بمثابه چشمه ای الهام بخش تا شیرداشته است.

کوشش جانانه و خستگی ناپذیر برای شناخت سرنوشت تاریخی خلق را اولین بار مختموقلی فراغی وارد عرصه شعر ترکمنی نموده است. او با سخنان پر شور و شاعرانه خود، انسان را به مبارزه در راه رهایی و خوشبختی خویش برانگیخت و به انجام کارهای نیک و عدالت خواهانه فرا خواند، دروغگویی، تنگ نظری، بیکاری عجز و ندامت کاری را بجرمانه مورد انتقاد قرار داد. این خدمت ارزنده شاعر به پایه و محوری برای ادبیات کلاسیک بعد از او و تمام فرهنگ موقلی خلق ترکمن مبدل گشت.

از زمانی که مختموقلی فراغی آثار خود را خلق نموده بیش از دو قرن سپری گشته است. آن دوره یعنی نیمه دوم قرن هیجدهم یکی از غم انگیزترین و حیرت بارترین دوران تاریخ خلق

ترکمن بوده است. در نتیجه یورشهای ویرانگرانه متجاوزین بیگانه، قلمرو ترکمن ها به خون آغشته بود. در سرزمین پهناور ترکمن، صدای سم ستوران و چکاچک شمشیرها لحظه ای خاموش نمی شد. علاوه بر کشتارهای بیرحمانه دژخیمان شاه ایران، امیربخارو خان خیسوه، اختلافات بین طوایف مختلف ترکمن نیز بطور روزافزونی شدت می گرفت. چنین وضعی وحدت و یکپارچگی ترکمن ها را از درون متلاشی می کرد و به امر مقابله و مقاومت قاطع و سازمان یافته و بیاتکاء به نیروی متحد و یکپارچه بر علیه تجاوزگران و کشور گشایان آسیب می رساند.

در موطن رنج دیده شاعر بزرگ نیز اتحاد و همدلی وجود نداشت. او از زمانیکه چشم به جهان گشوده بود، شاهد ظلم و ستم بود و اختلاف میان طوایف ترکمن هم زخمی دیگر بر زخمهای خلق محروم و تنگ دست می افزود.

مختموقلی با تمام وجود از این وضع رنج می برد. لذا مضمون اساسی اشعار او و اولادترین ایده ای که تمام می تا روپودا آثار وی را در بر گرفته است ایده اتحاد طوایف گوناگون ترکمن می باشد. شاعر با صدای رسا و پرتوان خود به طوایف ترکمن خطاب می کند:

متحد شوید و چون سیل خروشان دشمن را بروبید تا او امکان نیابد به سرزمین ما و به جوانان ما دست درازی کند
در اشعارش عرسمای یک میهن پرست بزرگ متجلی است. مختموقلی عشق به خلق را بر هر چیزی مقدم می دارد. از دردورتجی که فقرا و مردم محروم

کسانیکه تنها به دنبال منافع خود بوده و از منافع جامعه رویگردان بودند به نظری بیگانه و مطرود می آمدند .

موضوعاتی چون مردانگی و جوانمردی نفرت بی پایان نسبت به ستمگران داخلی و بیگانه قویترین جنبه اشعار ارزشمند مختومقلی می باشد . شاعر که بیعدالتی و لگد مال شدن حقوق زحمتکش را به چشم خود می دید پی برده بود که تنها با از بین رفتن اختلافات فاحش بین دارا و نادا راست که می توان خلق را به آسایش و خوشبختی رساند ، وی با موعظه انسان دوستی و صداقت ، برای این باور بود که مردم دیرپا زود به این حقیقت پی خواهند برد که کارهای خیربرکارهای شرعالبه خواهد یافت .

طبیعی است که مختومقلی نتوانسته و نمی توانسته است به قوانین اساسی رشد و تکامل تاریخ پی ببرد ، او توانست برای جامعه عمل پوشاندن به ایده های خود ، راههای واقعی و عینی را تشخیص دهد . در شعر "گیدیجی بولما" با آوردن سطور با مضمونی چون

(در دلش بود آرزوی بشمار

لیک او داروی دردش را نیافت)
خود نیز به این امر اذعان نموده است . او حیوانات و گنجینه هنر و فرهنگ خلق محبوبش را با آثار خود اجین نموده و سهم جدید و ویژه خویش را نیز به این گنجینه افزوده است . شعر او از خشن ترین آزمونها ، آزمون زمان گذشته با همان پاکی ویی آلاشی آغاز می شود و با جلاء و روشنی خود به آبی می که مادر آن زندگی می کنیم رسیده است . معانی ژرف و احساسات وزینی که در اشعار او متجلی است ، امروزه نیز مورد تاکید هنرمندان و هنرشناسان ، جامعه شناسان و اندیشمندان است .
اری ما می توانیم اعلام کنیم که

می کشند ، سجت در رنج است ،
نهایت آرزوی مختومقلی رهایی
از وضع حسرت بارورساندن خلق خویش
به آسایش و بهروزی بود ، لذا آنگاه
کس شاعر ، خلق خود را به وحدت و
یکپارچگی فرامی خواند ، به هرفرد
ترکمن پندواند رزمی دهد و از اومی طلبد
که در مبارزه بخا . طررها پی و استقلال
خویش شجاع باشد .

شاعر در اشعار خود چهره شیر مرد تمام
عیاری که در نبرد استوار و نسبت به
دشمن بی ترجم است را ترسیم نموده
است . وی چنین جوانی را در مقابل
نا جوانمردان و دنیا پرستانی قرار
می دهد که بخاطر سکه ای زرتن به هوس
دناقت و فرومایگی می دهند . شاعر
خصلتهای زشتی را که باعث به با در رفتن
آبروی جوانمردان می شود شنید
به با دانستند گرفته است . او به
خوانندگان و شنوندگان خود پند و اندرز
داده که خود را از هرگونه کارهای
ناشایست چون دروغ و نزول خواری دور
نگه دارند . او همگان نواری ، پاکبانی ،
صداقت ، عشق به کار و زحمت و غمخواری
بینوایان را موعظه نموده است .

مختومقلی با ترسیم شاعرانه چهره
یک جوان غیرتمند و پابنده اصول
اخلاقی ، چنین جوانانی را در عرصه
مبارزه بخاطر برقراری عدالت اجتماعی
ورفع نارساییهای جامعه و یاسان
دادن به مرارتها ، بعنوان سرمشق
و الگو برای سایر جوانان می ستایند ،
وی با پیش گرفتن چنین شیوه ای به
منظور ارتقاء و تکامل خصلت انسانی
و طرد و افشای نا جوانمردی ، سودجویی
و فساد اخلاقی به بیان شاعرانه متوسل
گشته است . در بسیاری از آثار که
شاعر به این موضوع اختصاص داده ، پسران
و دختران غیور را به استواری و استقامت
سینه سپردن بخاطر پایداری آرزومین
زخم خورده و تحقیر شده و همچنین پابندی
به منافع جامعه دعوت نموده است .

آیتم گونیم دو غما سین

ایلیم گونیم بولماسا

اقتصاددانان، ادبیا و شاعران پیوسته به چشمه فیاض نظم مختمومقلی روی می آورند.

استعداد او توانایی مختمومقلی شاعر بزرگ خلق ترکمن از آزمون زمان سربلند و پیروز بیرون آمده است. اندیشه ها و آرمانهای مردمی و اشعارش را فنانا پذیر ساخته است. او در ترانه ها و اندیشه ها و تخیلات و خاطرات خلقت تا ایندزنده خواهد ماند.

سخت و سودجویی، کارهای خیر و شر، انسان دوستی و ستمکاری، محور و مایه اصلی کلیه آثار مختمومقلی را تشکیل می دهد. وی در آثار خویش، ایمان خود را به پیروزی انسان دوستی بر کلیه زشتیها و بدبختیها نشان داده است.

اشعار مختمومقلی که با عشق عمیق نسبت به خلق اجین گشته و در لحاظ نیکه خلق محروم زیر تا زیان ستمگران و کشتور گشایان بسر می برد، آنرا در پناه خویش گرفته، در قلب هر ترکمنی جایگاه شایسته ای یافته است.

اشعار وی به شکل خود ویژه ای تبدیل به پند و اندرز، کلمات قصار و ضرب المثل ها گشته است.

مختمومقلی با عشق و علاقه عمیق به خلق خود، مکر و فریب و سیه کاریهای خوانین تیره ها و طوایف و روحانیون جیره خوار آنان و ثروتمندان را خشمگینانه فاش و بر ملا ساخت. با چنین شیوه ای نیز وی علیه آن نیروهای سیاه اهریمنی که انسان را به برده ای بی اراده مبدل می کردند مبارزه می نمود. *

میراث شاعرانه وی بزرگترین میراث و تا بنا کترین سهمی است که خلق ترکمن به تمدن جهانی عرضه نموده است. برای درک عمیق گذشته خلق ترکمن و آشنایی ژرف با سیمای روحی این خلقت در گذشته و همچنین پی بردن به مبارزات آن علیه ستمگران داخلی و خارجی و برای درک صحیح از بسیاری از مسایل اخلاقی و تربیتی - اجتماعی و همچنین آشنایی با گرایشها، منافع و خواسته های عمومی که خصوصیات اکثر خلقها را نیز در بر می گیرد، این میراث شاعرانه به مایاری های فراوان می رسد.

مختمومقلی واژه "فراغی" را به عنوان تخلص ادبی خویش انتخاب نموده است. احتمال می رود علت تخلص فراغی تا ثیرو تالم وی به حال خلقتش بوده خلقی که در اثر تجاوز و ستمگران خانها و شاهان به سرزمینش محروم از هرگونه حقوقی در فقر و فلاکت روزگاری گذراند. خلقی که برای مبارزه با طرز آزادی، مبارزه با ظلم و آسایش و خوشبختی به وحدت و یکپارچگی نیاز مبرم داشت.

شهرت مختمومقلی مدتهاست که از مرزهای وطنی که خود وی توصیف آنرا کرده بود، بسیار فراتر رفته است. اشعار وی به بسیاری از زبانهای زنده در جهان ترجمه شده است. اما با وجود این انتشار هر چه وسیع تر آثار این شاعر بزرگ و آموختن هر چه عمیق تر میراث جاویدان وی همچنان ضرورت دارد. فلاسفه و تاریخ نویسان، آهنگ سازان و نقاشان، جامعه شناسان،

وضع اسفبار بهداشت ...

بهداری نمی تواند این مبلغ را تامین کند و ما تنها قادر به انجام اقدامات بسیار محدودی هستیم. " تو خود حدیث مفصل بخوان از این محمل "

در شرایطی که حکام جمهوری اسلامی روزانه میلیونها تومان را به حساب مردم در تنور این جنگ بی معنا و ماجراجویانه می سوزانند، مردم زحمتکش اقصى نقاط کشور، از ابتدایی ترین

امکانات و وسایل زندگی و خدمات ابتدایی بهداشتی و درمانی محرومند و مجبورند با بیماریهایی که سالها پیش ریشه کن شده بود، بدون دارو و درمان دوباره دست و پنجه نرم کنند. این است نتیجه سیاستهای ارتجاعی حکام جمهوری اسلامی که کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را در پناه خود گرفته اند و زحمتکشان و محرومان را شلاق می زنند و زندان می کنند. *



قیام عباسی در

می خواستند و کا هی نیز نیروی نظامی مطالبه می کردند. ترکمن ها در وضعیت فوق العاده دشواری قرار داشتند ولی نمی توانستند دشت های اتیرکو و گرگان را ترک کنند. زیرا بدون زمینهای مساعد برای دامداری و کشت و رزی قبا در به گذران زندگی خود نبودند.

ظلم و فشار حکام استرآباد در مورد مطالبه خراج، برای ترکمن ها بویژه بسیار رطقت فرسا بود. بهمین دلیل ترکمن های اتیرکو در قرن دهم هجری شمسی با رها با حکام استرآبادیه مقابله برخاستند.

در سال ۹۲۹ هجری شمسی حاکم جدید استرآبادیه نام کچل شاه بردی اقدام به وصول باجهای سنگین از ترکمن ها نمود. این امر منجر به قیام نیرومند آنان تحت رهبری عباس سردا گردید. شاطریک از اقوام کچل شاه بردی که ما مورنظارت و وصول مالیات از ترکمن ها و مورد تنفر شدید آنها بود، توسط عباس سردا رکن خدای طایفه او قلی به قتل رسید. کچل شاه بردی حاکم محلی استرآبادیا خشم و غضب به مناطق ترکمن نشین لشکر کشی نموده و شروع به غارت اوبه های ترکمن ها کرد. لیکن ترکمن های او قلی با گروه نه چندان بزرگی تحت رهبری عباس بردا ریا آنان به مقابله پرداختند. وقشون کچل شهاب بردی را تا روما ر کردند و خود او را نیز کشتند. پس از آن حبش تمام اوبه های ترکمن ها را در بر گرفت و به برخی از دیگر

قیام ترکمن های اتیرکو و گرگان بر علیه ظلم حکام استرآباد در قرن دهم هجری شمسی دوران پرتلاطمی در تاریخ ترکمن ها بوده است. لشکر کشی های غارتگرانه حکومت های فتو دالی مناطق همجوار به مقابله و شورش های توده های طوایف ترکمن منجر می گردید.

در ربع اول قرن دهم قیام های طوایف شمالی ترکمن آرساری، سالیز، تکه، سارثق و یموت بر علیه سلاطین خوارزم بوقوع پیوست. سلاطین خوارزم موفق به سرکوب این قیام های توده ای شدند و به شرکت کنندگان در آنها خراج های سنگین بستند. آنان می بایست سالانه چهل هزار گوسفند به سلطان خوارزم می دادند.

در اواسط قرن دهم هجری قیام طوایف شمالی ترکمن در دشت های اتیرکو - گرگان علیه حور و ستم دولت های فتو دالی همجوار شدت گرفت. در این مناطق عده زیادی از طوایف سالسر، گوکلان، او قلی، ایمرودیک - طایفه های ترکمن گرد آمده بودند. بخشی از آنان اقتصاد دامداری داشتند و برخی دیگر به کشت و رزی می پرداختند. ترکمن ها به حکام استرآباد مالیات می دادند زیرا در اراضی جنوبی اتیرکو که جزو قلمرو آنان محسوب می شد به کشت و رزی و دامداری می پرداختند. از طرف دیگر چون طوایف ترکمن تابع سلطان خوارزم بشمار می آمدند، حکام خوارزم نیز از آنان مالیات

مناطق استرآباد دینیزر ایست نمود. این امر باعث شد که بسیاری از امرای نواحی اطراف و دست نشانندگان حکومت مرکزی از منطقه بگریزند. شاه طهماسب اول که در آن زمان بزرگترین حکومت می کرد، چندین بار با گسیل لشکریان خود اقدام به سرکوب قیام عبا سردار نمود. در سال ۹۳۳ هجری شمسی لشکر بزرگ شاه طهماسب اول برای مقابله با عبا سردار به سوی مناطق ترکمن نشین حاشیه ترک حرکت کرد. عبا سردار که وضع را چنین دید بلافاصله با علی بی سلطان حاکم ولایات دورون و اورگنج که از قبل با شاه طهماسب در جنگ بود متحد شد. لشکریان شاه طهماسب که وضع را چنین دیدند از درگیر شدن با قشون عبا سردار و علی سلطان خودداری کرده و عقب نشینی نمودند.

این پیروزی بزرگ شهرت و نفوذ عبا سردار را بسیار بالا برد و وی را در مقام رهبری همه ترکمن های ترک قرار داد. آوازه عبا سردار سر کرده نامدار گروه های سواره ترکمن در هر سو پیچید. در سال ۹۳۶ هجری شمسی عبا سردار تمام ایالت استرآباد را بجز شهر استرآباد که حاکم محلی و قرارگاه قشون شاه در آنجا بودند تصرف کرد. شاه طهماسب اول برای مقابله با شورشیان قشونی متشکل از دوازده هزار سرباز به منطقه اعزام داشت.

سواران ترکمن عمدتاً با تیر و کمان مسلح بودند و تاب ایستادگی در مقابل حمله دشمن مجهز نبودند. آنان خانوادها و اموالشان را به نقاط دور دست صحرای انتقال دادند و دسته های سواره ترکمن به اردوگاههای دشمن هجوم بردند. نیروهای شاه طهماسب برای سرکوب آنان مجبور به حرکت در صحرای بودند. تعقیب های ناموفق مداوم و در هوای گرم سربازان شاه طهماسب را خسته و درمانده ساخت. در این هنگام آنان با نیروی سه هزار نفری و نازده نغم از یک های آن سوی اتسک به سرکردگی علی سلطان رو بزرگ شدند. علی سلطان با شاهده برتری تعداد نفرات دشمن به دفاع پرداخت. نیروهای سوار و مشمشاهشن با زبه اردوگاههای

کوچک از یک ها که در آن علاوه بر آنها ترکمن های عبا سردار نیز مستقر بودند حمله بردند. عبا سردار با نا کنتراست شجاعانه و بی درنگی به فرماندهی از پشت به قرارگاه آنان حمله کرد. خدمه قرارگاه با وحشت و دست با چکی متواری گشتند و بدین ترتیب صف های آنها همی لشکریان شاه طهماسب برهم خورد. نیروهای علی سلطان حملات متقابل فاطمی نمودند و لشکریان شاه متفرق شده و با به فرار گذاشتند. بدین ترتیب سومین لشکرکشی بر علیه توده های قیام کننده ترکمن بدون موفقیت پایان یافت.

از آن پس، تمام ترکمن های کرانه نشین ترک به مدت ۱۵ تا ۱۲ سال بطور مستقل و بدون پرداخت باج و خراج به حکام استرآباد زندگی کردند. چون سرکوب جنبش با توسل به زور میسر نشد، حاکمان استرآباد بینه سوء قصد علیه جان عبا سردار متوسل شدند و با فریب همسروی توطئه خویش را به اجرا درآوردند. بدین ترتیب عبا سردار رهبر ترکمن ها شب هنگام در خواب به قتل رسید. سر بریده این سردار را می ترکمن بعنوان هدیه به حکام استرآباد داده شد. پس از آن جنبش بتدریج فروکش نمود. در سال ۹۴۴ هجری شمسی علی سلطان نیز وفات یافت و جانشین وی به تبعیت از حاکمان استرآباد گردن نهادند.

قیام عبا سردار را ایامیست تا ریخی بزرگی بود. این جنبش علی رغم پایان ناموفق آن، استعداد توانایی ترکمن ها را بمانند به یک نیروی سیاسی بزرگ در مبارزه با ستمگران بیگانه برای کسب آزادی و استقلال خویش نشان داده است. پس از فروکش نمودن جنبش نیز تا مدت های مدید در سرزمین استرآباد تا تیر ترکمن ها بسیار قوی بوده است. امرای شاه طهماسب جرات نمی کردند در امور داخلی ترکمن های ترک مداخله نمایند. و از آنان مالیات مطالبه کنند و مدت های طولانی تقریباً تمام ایالت استرآباد زیر نفوذ ترکمنها قرار داشت.

روشنفکران و میارزین ترکمن صحرا
خوانندگان گرامی ایل گویجی

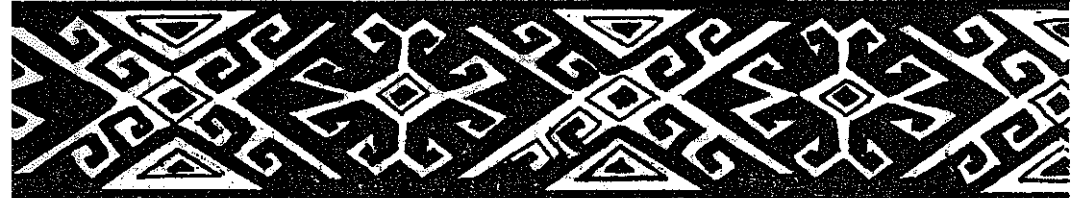
برای غنا بخشیدن به نشریه ایل گویجی با ما مکاتبه کنید.
پیشنهادها، نظرات و انتقادات خود را برای ما ارسال دارید.
مقاله، شعر، خبر، عکس، داستان، طرح، ترجمه، منوگرافی
از روستاها، گزارش از وضع زندگی اقشار گوناگون مردم و
مشکلات آنها و هر مطلب دیگر در رابطه با زندگی و مبارزه خلق
ترکمن را برای ما بفرستید.
از هرگونه همکاری با ایل گویجی دریغ نکنید.

موفق باشید

آدرس پستی :

P1.10
1091 WIEN
AUSTRIA

اتریش



بہاء ۸۰ ریال